

فاعل

فاعل الف) فاعل به انجام دهنده ی یک کار می گویند که در ابتدای جمله قرار می گیرد البته به شرط آنکه جمله سوالی نباشد، که می تواند نام یک شخص باشد.

Maryam is a teacher.

فاعل

ضمایر فاعلی:

ب) ضمیر: کلمه ای است که جای اسم یا معادل آن می نشیند و برای رفع تکرار اسم می آید ضمایر فاعلی، ضمایری هستند که به جای فاعل قرار می گیرند. این ضمایر در انگلیسی عبارتند از:

I	من	We	ما
You	شما (تو)	You	شما
he	او (مذکر)	they	آنها
she	او (مونث)		
it	آن (اشیا - حیوانات)		

فاعل

ضمیر فاعلی

مثال Ali is in my class. He is a clever student.

صفات ملکی: برای نشان دادن مالکیت از صفات ملکی استفاده می گردد و این کلمات همیشه قبل از اسم به کار می روند صفات ملکی در زبان انگلیسی عبارتند از:

my leg	پای من	our books	کتابهای ما
your leg	پای تو	your books	کتابهای شما
his leg	پای او (مذکر)	their books	کتابهای آنها
her leg	پای او (مونث)		
Its leg	پایه آن (اشیا)		



صفات ملکی هم می توانند فاعل باشند.

My English teacher is young.

فاعل

فاعل را در جملات زیر مشخص کنید.

- 1- I gave him the book.
- 2- My black car is dirty.
- 3- Alison gives Martin some money every week.

فعل کمکی:

افعال کمکی اصلی	افعال کمکی ناقص	توضیحات
to be	can – could	از این فعل استفاده می کنیم تا بگوییم فردی توانایی انجام عملی را دارد.
to have	may – might	از این افعال برای ابراز مفهوم احتمال در حال و آینده استفاده می شود و آنها را ممکن است یا «شاید» معنی می کنیم.
to do	will – would	از فعل کمکی Will برای ساختن زمان آینده ساده استفاده می شود.
	shall – should	به معنی «باید» عمدتاً برای توصیه و نصیحت کردن استفاده می شود.
	must	ضرورت انجام کاری را بیان می کند و برای بیان اجبار به کار می رود (اجبار از طرف خودمان)
	have to	برای بیان اجبار به کار می روند (این اجبار از طرف (غیر از خودمان است))

فعل های وجهی (Modals)

این فعل ها، فعل های وجهی هستند و از این جهت خاص هستند که قانون های مربوط به خودشان را دارند.

Can, could, will, would, shall, should, may, might , must, ought to

قانون های چهارگانه ی فعل های وجهی

قانون اول: همیشه فعل اول جمله هستند و بعد از هیچ فعلی نمی آیند.

قانون دوم: همیشه بعد از خودشان به یک مصدر بدون to نیاز دارند.

قانون سوم: هرگز صرف نمی شوند، به عبارت دیگر هرگز با to مصدری، یا پسوندهای

ing یا ed یا s سوم شخص مفرد به کار نمی روند.

قانون چهارم: خودشان جمله را سوالی و منفی می کنند و به do , does , did نیاز ندارند.

کاربردهای فعل وجهی **Can** (توانستن)

۱- وقتی می خواهیم بگوییم توانایی انجام کاری را داریم:

1- Sina has traveled a lot. He **can** speak four languages.

2- Please speak up a bit. I **can't** hear you very well.

۲- وقتی می خواهیم بگوییم امکان یا فرصت انجام کاری را داریم:

1- We **can** go to Yazd this weekend, because I don't have to work.

2- I'm afraid I **can't** come to the party of Friday.

۳- وقتی می خواهیم به کسی اجازه بدهیم:

1- You **can** leave work early today.

2- You **can** wait in my office if you like.

۴- وقتی می خواهیم از کسی به طور غیررسمی اجازه بگیریم یا پیشنهادی را مطرح کنیم.

در این حالت طبیعتاً جمله، شکل سوالی به خودش می گیرد:

1- **Can** I have some more tea?

2- **Can** I get a taxi for you?

کاربردهای فعل وجهی **May** (ممکن است، شاید)

۱- وقتی می خواهیم بگوییم ممکن است کاری را انجام بدهیم:

1- We **may** go climbing in the Alps next summer.

۲- وقتی می خواهیم حدسی را مطرح کنیم:

1- It **may** rain this evening.

2- She **may** not be at home.

۳- وقتی می خواهیم از کسی به طور رسمی اجازه بگیریم. طبیعتاً در این حالت، جمله، شکل سوالی به خودش می گیرد.

1- **May** I turn the TV on?

2- **May** I see the letter?

۴- وقتی می خواهیم به کسی به طور رسمی اجازه بدهیم:

1- You **May** telephone from here.

2- Members **May not** bring more than two guests into the club.

کاربردهای فعل وجهی **Should** (باید)

۱- وقتی می خواهیم توصیه ای را مطرح کنیم یا بر اهمیت چیزی تاکید کنیم:

1- You look tired. You **should** go to bed.

2- You **shouldn't** say things like that to your parents.

۲- ما می توانیم با استفاده از **should** یک حدس منطقی را مطرح کنیم:

1- She's away, but she **should** be back tomorrow.

کاربردهای فعل وجهی **Must** (باید)

۱- وقتی می خواهیم ضرورت انجام کاری را مطرح کنیم:

1- It's later than I thought. I **must** go.

2- You must keep it a secret. You **mustn't** tell anyone.

۲- می توانیم با استفاده از **must** یک حدس منطقی را با اطمینان خیلی زیاد مطرح کنیم:

1- You've been working all day. You **must** be tired.

2- Samira **must** have a problem. She keeps crying.

بد نیست به این نکته دقت کنید که در خیلی از موارد، این دو فعل وجهی تقریباً یکسان عمل می کنند، با این تفاوت که must شکل قدرتمندتر و پررنگ تر should است.

۲- فعل های وجهی می توانند هنگام ترکیب با not به شکل فشرده (مثلاً shouldn't) نوشته شوند، اما may استثنا است و فشرده نمی شود.

مثال بیشتر:

He can speak five foreign languages.

او می تواند به پنج زبان خارجی صحبت کند.

He may/ might be waiting at the station.

او ممکن است در ایستگاه منتظر باشد.

You should stop smoking.

بهتر است سیگار را ترک کنی (اجبار سبک)

I will see him in the class tomorrow.

من او را فردا در کلاس خواهم دید.

You must work hard if you want to succeed.

اگر می خواهید موفق شوید بایستی سخت بکوشید.

You must leave now.

شما باید اینجا را ترک کنید.

You have to have a passport to visit most foreign countries.

شما باید برای دیدار از اغلب کشورهای خارجی گذرنامه داشته باشید.

6- When Bruce was younger, he fit in to his uniform but now that he has grown up, it no longer fits.

- a) must b) should c) could d) will

7- Peter: can my friend sleep over?

Marry : yes, but he to get permission from his parents.

- a) can b) will have c) should d) would

8- He had been working for more than hours.

He be tired after such hard work. He may prefer to get some rest.

- a) must b) can c) might d) should

9- Tom and Rebecca give their daughter a lot of presents. They..... really love her.

- a) should b) could c) must d) would

10- He had been working for more than 11 hours. He be tired after such hard work. He may prefer to get some rest.

- a) must b) can c) might d) should

1)c 2)b 3)c 4)c 5)c 6)c 7)b 8)a 9)c 10)a

Test:

1)When I heard that sheBritain to start a new life in Canada ,I was quite upset.

- a)may leave b)is going to leave c)was going to leave d)has left

2).....we contact him and tell him about the changes? Otherwise he won't know what's happening.

a) Might b) May c) Must d) Should

3) Customerspay for paper bags if they do not bring their own bags when shopping.

a) couldn't b) must c) can't d) might

4) If we didn't have to work so hard, we spend more time together.

a) will b) can c) could d) might

5) Don't lend him your car. He is a terrible driver .Heit .

a) is going to crash b) will crash c) should crash d) is crashing

6) Please , slow down . Are you crazy? Wean accident .

a) had b) have c) are going to have d) will have

7).....to come over for dinner tonight?

a) Will you want b) Do you want
c) Are you going to want d) Did you want

8) Wait a few minutes .I think itraining soon.

a) is stopping b) is going to stop c) will stop d) stops

9)A: Why do you need to borrow my suitcase ? B: Because I.....my mother in Scotland next month.

a) were visiting b) will visit c) visit d) am going to visit

10)A: All the lights have gone off! B : Don't worry .Ia look.

a) will take b) am going to take c) have taken d) take

1)C 2)d 3)b 4)c 5)b 6)c 7)b 8)c 9)4 10)a

ویژگی فعل :

فعل در زبان انگلیسی یا باقاعده است یا بی قاعده. فعل با قاعده فعلی است که قسمت دوم و سوم آن با اضافه کردن d یا ed ساخته می شود. فعل بی قاعده فعلی است که قسمت دوم و سوم آن قاعده و قانون خاصی ندارد.

		قسمت اول	قسمت دوم	قسمت سوم
		حال	گذشته	اسم مفعول
فعل	با قاعده	play	Played	palyed
	بی قاعده	go	went	gone

توجه: افعال بی قاعده باید حفظ شود. (معمولا در پایان کتاب درسی این افعال وجود دارند.)

My mother went home.

فعل بی قاعده

Ali played in the garden.

فعل با قاعده

فعل اصلی :

در زبان انگلیسی چهار زمان عمده وجود دارد که هر کدام از آنها به چهار شاخه تقسیم می شود

که البته در کتاب درسی ما زمانهای گذشته ساده، استمراری، کامل، حال ساده، استمراری، کامل و آینده ساده را مورد بررسی قرار می دهیم.

زمان حال ساده

حال ساده در موارد زیر بکار برده می شود:

۱- برای نشان دادن عادت در زمان حال، در این موقع در جمله یکی از قیدهای تکرار مانند:
usually – often – sometimes – generally – frequently – occasionally
و بقیه قیدهای تکراری و یا (قید یا اسم زمان every+) در جمله وجود دارد.

I usually go to school.

۲- برای بیان حقایق علمی و مسلم. مثال:

The sun rises in the East.

خورشید از مشرق طلوع می کند. ۳- بجای زمان آینده بکار می رود.

البته در این حالت باید یک قید آینده در جمله باشد.

She comes to my house tomorrow night.

او به خانه ما فردا شب خواهد آمد.

طرز ساختن: present tense

کلیه افعال بجز افعال معین با حذف to مصدری بشکل زمان حال ساده در می آیند و فقط در سوم شخص مفرد به آخر افعال s اضافه می کنند.

با کلمه do not (don't) و در سوم شخص مفرد یا does not منفی می شود و اگر do و

در سوم شخص مفرد does را قبل از فاعل قرار دهند بشکل سوالی در می آید.

قسمت اول فعل + فاعل

S / es + قسمت اول فعل + فاعل سوم شخص (he/she/it)

مثال:

She goes to school every day.
Does she go to school every day?
She doesn't go to school every day.

زمان حال استمراری

Present continuous Tense

در موارد زیر بکار برده می شود:

۱- نشان می دهد که کاری در زمان حال، در حال انجام شدن است. در این موقع قیدهایی
زمان و *at present – now – at this moment – for the time being* مانند اینها در
جمله وجود دارد.

مثال:

She is reading a book now.
We are studying English at present.

۲- جمله ای که بعد از کلمات اخطار یا آگاه کننده قرار گیرد از حال استمراری استفاده می
کنند. مثال:

Look! A man is going into the house.

نگاه کن! مردی وارد خانه می شود.

Listen! The telephone is ringing.

گوش کن تلفن زنگ می زند.

۳- بجای زمان آینده. در این صورت هم باید یک قید زمان آینده در جمله باشد.

She is coming to my house tomorrow night.

فردا شب به خانه من می آید.

توجه: هرگاه در یک تست هم زمان حال ساده و هم استمراری بجای آینده بکار رفته باشد، حال استمراری ارجح است.

طرز ساختن:

شکل ing هر فعلی بعد از افعال (am – are – is) حال استمراری آن فعل محسوب می شود. با کلمه not که بعد از (am – are – is) قرار گیرد بشکل منفی و اگر (are – am) is- قبل از فاعل ذکر شود به شکل سوال در می آید.

توجه: افعال غیرارادی یا حسی را بصورت حال استمراری بکار نمی برند. فعل هایی که استمراری نمی شوند.

بعضی از فعل ها، نشان دهنده ی یک «حالت» هستند، نه یک «کنش» به این فعل ها، فعل های «حالت» (State Verbs) می گوئیم. بهتر است این فعل ها را به شکل استمراری در نیاوریم. مهم ترین فعل های «حالت» عبارتند از:

agree	موافق بودن	like	دوست داشتن
be	بودن	love	عاشق بودن
believe	معتقد بودن	need	نیاز داشتن
dislike	خوش نیامدن	remember	به یاد داشتن
feel	احساس کردن	seem	به نظر رسیدن
hate	متنفر بودن	want	خواستن
know	دانستن	wish	آرزو کردن

حال کامل: present perfect

عملی که در گذشته انجام شده و اثرش تا زمان حال باقی است (در زمان حال اثری دارد).

Jim has gone to Canada.

طرز ساخت : have / has + pp + فاعل

Tom has had a bad accident.

مثال: تام تصادف بدی کرده است.

قیود و مشخصات:

Since (از ، زمانی که) و **for** (برای، در طول، به مدت)

پس از **since** مبدا زمان (نقطه شروع عمل) و پس از **for** طول زمان را می آوریم.

We have lived here since 10 years ago.

از ده سال پیش اینجا زندگی کرده ایم.

We have lived here for 10 years.

ده سال است که اینجا زندگی می کنیم.

تست حال ساده و استمراری و کامل:

1- He often out of town on business matter.(a) goes b) is going)

2- She us at present. (a) teaches b) is teaching)

3- Listen! Someone at the door. (a)knocks b) is knocking)

4- Ali never to class on time. (a) is coming b) comes)

5- Look the telephone is..... (a) ringing b) rings)

6- Good students hard. (a) work b) are working)

- 7- They in the country since 1370. (a) live b) have lived)
8- She always a lot of letters to her friends. (a) has written b) writes)
9- you usually go to the cinema on Fridays? (a) Do b) Have)
10- He for 10 hours. (a)is sleeping b) has slept)
11- I him since last Friday. (a) don't see b) haven't seen)
12- I usually at 7 o'clock in the morning.(a)get up b) have got up)
13- She says that she her pen. (a)loses b) has lost)
14- The sun this morning. (a) has shined b) shine)
15- My father at home on Fridays.
a) don't usually stay b) doesn't usually stay

Simple Past Tense

گذشته ساده

این زمان را در موارد زیر بکار می برند:

الف) نشان می دهد که کاری در گذشته بدون قید و شرط انجام شده است. در این موقع یک قید مربوط به زمان گذشته در جمله وجود دارد.

مثال:

He went to the movies last night.

او دیشب به سینما رفت.

ب) نشان می دهد که کاری در گذشته بطور عادت انجام می شده است. در این موقع در جمله علاوه بر قید زمان گذشته یکی از قیود عادت یا تکرار در جمله وجود دارد.

He walked to school every day last year.

پارسال هر روز پیاده به مدرسه می رفت.

ج) نشان می دهد که کاری در گذشته به طور استمرار انجام می شد، توجه نمایید که این حالت با ماضی استمراری اشتباه نشود. با زمان گذشته زمان و ساعت وقوع کار را بیان نمی کنند در صورتی که با گذشته استمراری باید زمان وقوع کار ذکر گردد.

It was raining very hard last night.

دیشب بشدت باران می بارید (گذشته استمراری)

It rained very hard at 9 o'clock last night. (ماضی ساده)

سرساعت ۹ بشدت باران می بارید.

طرز ساختن زمان گذشته ساده:

افعال با قاعده را با افزودن ed یا d به آخر فعل بصورت گذشته ساده در می آورند ولی افعال بی قاعده همانطوری که از اسمشان پیداست قاعده خاصی ندارند و باید آنها را حفظی یاد گرفت.

طرز منفی و سوالی کردن گذشته ساده:

گذشته ساده را با did not که اختصار آن didn't می باشد بصورت منفی در می آورند؛ البته فعل اصلی جمله را به مصدر بدون to تبدیل می کنند در حالت سوال کلمه did را قبل از فاعل ذکر می کنند و فعل اصلی را به صورت مصدر بدون to بیان می کنند. مثال:

She went to the cinema last night.

She didn't go to the cinema last night.

Did she go to the cinema last night?

طرز ساختن زمان گذشته استمراری:

گذشته استمراری هر فعلی را با شکل ing آن فعل همراه با was یا were طبق جدول زیر می سازند.

(I – He – She – It) was + ing

(We – You – they) were + ing

طرز منفی و سوالی گذشته استمراری:

چون این زمان به کمک فعل معین، were ، was ساخته شده است کافی است که آن را با کلمه not که بعد از افعال معین ذکر شده می آورند منفی کنیم و اگر همان افعال معین را قبل از فاعل بیاوریم بصورت سوال در خواهد آمد.

You were not writing a letter at 9 o'clock last night.

شما ساعت ۹ دیشب در حال نوشتن یک نامه نبودید.

You were writing a letter at 9 o'clock last night.

Were you writing a letter at 9 o'clock last night?

ماضی بعید Past Perfect Tens

ماضی بعید نشان می دهد که کاری که در گذشته قبل از عمل دیگری انجام گرفته باشد و یا کاری در گذشته قبل از زمان تعیین شده بپایان رسیده باشد. مثال:

1- I had studied English before I went to the U.S.A.

قبل از اینکه به آمریکا بروم انگلیسی خوانده بودم.

2- He went home after he had finished his work.

بعد از اینکه کارش را تمام کرده بود به خانه رفت.

3- She had done her homework by 9 o'clock last night.

دیشب تا ساعت ۹ تکالیفش را انجام داده بود.

طرز ساختن: اسم مفعول فعل اصلی had+P.P = ماضی بعید

بطوری که ملاحظه می کنید زمان فعل از بعد از before بصورت گذشته ساده است و فعل دیگر بصورت ماضی بعید ولی بعد از after فعل بصورت ماضی بعید است و فعل دیگر بصورت گذشته ساده. البته این دو زمان توسط کلمات ربط as soon as – when – by the time و غیره نیز بهم متصل می شوند. باید توجه کنید کاری که قبل از کار دیگر اتفاق افتاده بصورت ماضی بعید و دیگری گذشته ساده خواهد بود. در جمله سوم حرف اضافه by همراه با یک زمان تعیین شده در گذشته آمده است که بیان کننده گذشته کامل است.

تست های زمان های (گذشته ساده ، استمراری، کامل)

1- she told me his name after he

- a) left b) was leaving c) has left d) had left

2- After you had gone I to bed.

- a) went b) was going c) have gone d) go

3- I usually a newspaper after I have finished my daily work.

- a) read b) am reading c) had read d) have read

4- He thanked me for what I

- a) had done b) do c) have done d) was doing

5- you post the letter after you had written it?

- a) did b) a had c) were d) have

6- What at 11 o'clock last night ?

- a) were you doing b) did you do
c) had you done d) have you done

7- He as he was crossing the street.

- a) fell b) falls c) was falling d) had fallen

8- you studied English before you went to England?

- a) Had b) Were c) Did d) Have

9- She wants to know how many times I that book.

- a) am reading b) have read c) was reading d) read

10- He died after he ill for a long time .

- a) has been b) had been c) was being d) was

1)d 2)a 3)a 4)a 5)a 6)a 7)a 8)a 9) b 10)b

سوالات کنکور

1- Every day last week, my father me to school in his car.

- a) take b) took c) had taken d) has taken (علوم انسانی - ۷۲)

2- Professor Smith refused to lecture because he his notes at home. (علوم و ریاضی فنی و هنر - ۷۳)

- a) had left b) has left c) is leaving d) was leaving

3- Mahdi passed the exam because he enough before taking it.

(هنر - ۷۵)

a) had studied b) has studied c) would study d) studies

4).....any news of John lately?

a) Are you going to hear b)Have you heard
c)Were you hearing d)Did you hear

5)She is a famous painter .she.....three pictures this year.

a)should be painting b)has painted
c)was painting d)was going to paint

6)Jim doesn't have much money so he has not bought a car.....

a)since b)once c)still d)yet

7)A:What were you doing between 5 and 7 yesterday afternoon ?

B:Iin Melat Park with a lot of other people.

a)have sit b)sat c)was sitting d)was going to sit

8)John and Bill were washing the car when theytheir friend Alex.

a)has seen b)is seeing c)saw d)was seeing

9)We..... the bridge just when the sun

a)reached-rose b)reached-was rising
c)were reaching-is rising d)were reaching-has risen

10)While Mrs.Emersonthe little boy a story, he fell asleep, so she closed the book and went out of the room.

a) was going to read b)read c)was reading d)has read

1)b 2)b 3)a 4)b 5)b 6)d 7)c 8)c 9)b 10)c

زمان آینده ی ساده:

انگلیسی زبان ها برای حرف زدن از آینده، چند راه دارند. یکی از این راه ها، استفاده از زمان «آینده ی ساده» است. ساخت این زمان خیلی راحت است. کافی است فعل کمکی Will را در کنار یک فعل ساده قرار بدهید. برای سوالی کردن این ساختار، از جابجایی will و فاعل استفاده می کنیم.

Will they attend the meeting?

آیا آن ها در جلسه شرکت خواهند کرد؟

برای منفی کردن این ساختار، not را به will اضافه می کنیم.

They will not leave the building.

آنها ساختمان را ترک نخواهند کرد.

آینده ی ساده و کاربرد اصلی آن

در موقعیت های زیر از زمان «آینده ی ساده» استفاده می کنیم:

۱- وقتی در مورد یک واقعه مربوط به آینده، اطلاع رسانی می کنیم.

In the summer, the President will travel to Rome to meet with the Pope.

در تابستان، رییس جمهور به رم سفر خواهد کرد تا با پاپ دیدار کند.

۲- وقتی درجا تصمیم می گیریم کاری انجام بدهیم.

Woman: "I'm cold." Man: "I will close the window."

زن «سردم است.» مرد: «[الان] پنجره را می بندم.»

۳- وقتی نظر شخصی مان را در مورد آینده مطرح می کنیم یا به عبارت دیگر، آینده را طبق نظر خودمان پیش بینی می کنیم.

I think the number of cheetahs will increase in future.

فکر می کنم تعداد یوزپلنگ ها در آینده زیاد خواهد شد.

۴- وقتی قولی می دهیم، یا می خواهیم تمایل یا عدم تمایلمان را به انجام کاری نشان بدهیم.

- 1- I will give up smoking!
- 2- That bag looks heavy! I will help you with it.
- 3- I will not do your homework for you.

۱) سیگار را ترک خواهم کرد!

۲) آن کیف سنگین به نظر می رسد. من کمکت می کنم.

۳) من تکالیفت را برایت انجام نمی دهم.

۵- وقتی خواهشی را مطرح می کنیم. البته در این حالت، جمله شکل سوالی به خودش می گیرد.

Will you shut the door, please?

می شود لطفاً در را ببندی؟

برای will دنبال معنی خاصی نباشید. این فعل نشانه ی زمان آینده است. شاید خیلی از اوقات به شکل «خواهم ، خواهی ، خواهد ...» ترجمه شود، ولی همیشه این طور نیست.

می شود فعل will را به شکل 'll کوتاه کرد و به فاعل جمله چسباند.

They'll lose the game.

آن ها بازی را خواهند باخت.

می شود will not را هم به شکل won't کوتاه کرد.

They won't lose the game.

آنها بازی را نخواهند باخت.

قسمت دوم : be going to

برای حرف زدن از آینده، می توانیم از ساختار be going to هم استفاده کنیم. به این شرط که:

۱- قبلاً به انجام این کار فکر کرده باشیم و برای آن طرح و برنامه داشته باشیم، یا این که:

۲- بخواهیم از روی نشانه های موجود در زمان حال، یک حدس قوی را برای آینده، مخصوصاً آینده ی نزدیک، مطرح کنیم.

1- They are going to destroy the old hospital and build a new one.

2- I am going to be an actor when I grow up.

3- He is going to spend his vacation in Kish Island.

4- I can't see a taxi anywhere. We are not going to get to the movies on time.

5- Look at the sky. It is going to rain in a moment.

۱- آن ها قصد دارند بیمارستان قدیمی را خراب کنند و یک بیمارستان جدید بسازند (قصد

قبلی)

۲- می خواهیم وقتی بزرگ شدم، هنرپیشه بشوم. (قصد قبلی)

۳- او قصد دارد تعطیلاتش را در جزیره ی کیش بگذراند. (قصد قبلی)

۴- هیچ تاکسی ای نیست. ما به موقع به سینما نخواهیم رسید. (حدس از روی شواهد موجود)

۵- آسمان را نگاه کن! الان است که باران بگیرد. (حدس از روی شواهد موجود)
این ساختار، یک اصطلاح است. فارسی آن در خیلی از موارد «خواستن» و «قصد داشتن» است.

چون are , is , am فعل کمکی اند، برای سوالی و منفی کردن این ساختار، از خون آن ها استفاده می کنیم.

اگر فعل be را در این ساختار به شکل گذشته، یعنی was یا were دیدید، تعجب نکنید. این یعنی این که فاعل قصد داشته کاری انجام بدهد و حالا مدتی از آن زمان گذشته است.

He wasn't going to tell me, but I forced him to.

او نمی خواست به من بگوید، ولی من مجبورش کردم

will یا be going to ؟

این دو ساختار در خیلی از موارد می توانند به جای هم به کار بروند، اما خب، تفاوت هایی هم دارند:

۱- هنگام تصمیم گیری، از will برای تصمیم لحظه ای و آنی استفاده می کنیم، اما be going to نشان دهنده ی «قصد قبلی» و «برنامه ریزی» است.

1- Woman: "The phone is ringing."

Man : "OK . I'll answer it."

2- Woman : "There are a lot of letters to answer."

Man : "I know. I'm going to do them all on Friday."

۱- زن: «تلفن دارد زنگ می زند.» مرد: «باشد. من جواب می دهم.» (تصمیم آنی)

۲- زن: «یک عالمه نامه هست که باید جواب بدهیم.»

مرد: «می دانم. همه شان را جمعه جواب می دهم.» (برنامه)

۲- هنگام حدس زدن، تاکید **be going to** روی نشانه های زمان حال است، در حالی که **will** صرفاً نظر شخصی گوینده را مطرح می کند.

1- Don't give him your watch. He'll break it.

2- Look out! You're going to break that glass.

۱- ساعتت را به او نده. خرابش می کند.

۲- مواظب باش! الان است که لیوان را بشکنی.

این ساختار ، یک اصطلاح است. فارسی آن در خیلی از موارد خواستن و قصد داشتن است.

چون **am , is , are** فعل کمکی اند، پس برای سوالی و منفی کردن این ساختار، از خود آن ها استفاده می کنیم.

اگر فعل **be** را در این ساختار به شکل گذشته، یعنی **was** یا **were** دیدید، تعجب نکنید، این یعنی این که فاعل قصد داشته کاری انجام بدهد و حالا مدتی از آن زمان گذشته است.

He want going to tell me, but I forced him to.

او نمی خواست به من بگوید، ولی من مجبورش کردم.

1- A: "I've got a headache. "B: "Wait here an aspirin for you."

1) I get 2) I'll get 3) I'm going to get 4) I'm getting

2- Kimia says a politician when she grows up – and she's only 5 years old!

1) she'll be 2) she is 3) she's going to be 4) she won't

3- A: "Do you want to go out tonight?" B: "No, my homework."

- 1) I do 2) I'm going to do 3) I'm doing 4) I'll do

4- I don't want to go out alone. with me?

- 1) Will you come 2) Are you coming
3) Do you come 4) Are you going to come

5- There's a fireworks display tomorrow. Mona It.

- 1) will watch 2) is going to watch
3) was watching 4) watches

6- Farhad thinks that Iran the next game against South Korea.

- 1) wins 2) will win 3) is winning 4) is going to win

7- A: "Is Amir eating with us?" B: "Wait a minute. him."

- 1) I ask 2) I'll ask 3) I'm going to ask 4) I'm asking

8- I hear you your car. How much do you want for it?

- 1) sell 2) are going to sell 3) sold 4) will sell

9- We a party but some of our friends couldn't come, so we cancelled it.

- 1) were going to have 2) are having
3) will have 4) are going to have

10- We The results of the tests next week, so there's nothing we can do until then.

1) comes 2) will come 3) is going to come 4) won't come

1)2 2)3 3)2 4)1 5)2 6)2 7)2 8)2 9)1 10)1 11)4 12)1

13)3 14)2 15)2 16)4 17)4 18)2

ضمایر: فاعلی - مفعولی - ملکی (ضمایر، صفات) - انعکاسی

ضمایر فاعلی:

ضمایری هستند که به جای فاعل در جمله قرار می گیرند که عبارتند از:

I	من	We	ما
you	شما (تو)	You	شما
he		they	آنها
she	او		
it			

My English teacher teaches English on Sundays.

She teaches English on Sundays.

All people who know her are her relatives.

ضمایر مفعولی:

چون این ضمایر در حالت مفعولی به کار می روند یعنی عمل فاعل روی آنها انجام می گردد، از این لحاظ آنها را ضمایر مفعولی می نامند. این ضمایر در انگلیسی عبارتند از:

me	مرا، به من	us	مارا، به ما
you	تورا، به تو	you	شما را، به شما
him	او را، به او (مذکر)	them	آنها را، به آنها
her	او را، به او (مؤنث)		
it	آن را، به آن		

I usually see him in the street every day. مثال:

من معمولا او را هر روز در خیابان می بینم.

او به من انگلیسی می آموزد.

She teaches **me** English. □

من با او به زبان انگلیسی صحبت می کنم.

I speak to **her** in English.

نکته: در جواب سوال Who is it? به معنای کیست؟ می توان از ضمیر مفعولی به جای ضمیر فاعلی استفاده کرد.

Who is it? Its me.

صفات ملکی (Possessive Adjectives)

برای نشان دادن مالکیت از صفات ملکی استفاده می گردد و این کلمات همیشه قبل از اسم به کار می روند، صفات ملکی در زبان انگلیسی عبارتند از:

my leg	پای من	our books	کتابهای ما
your leg	پای تو	your books	کتابهای شما
{ his leg	پای او (مذکر)	their books	کتابهای آنها
	پای او (مؤنث)		
	پای آن (اشیا)		

I comb my hair every day.

من هر روز موی سرم را شانه می کنم.

We enjoy our English class.

ما از کلاس انگلیسی خود لذت می بریم.

This is my own car.

این اتومبیل خود من است (تاکید دارد)

ضمایر ملکی (Possessive Pronouns)

ضمایر ملکی کلمه ای است که علاوه بر ضمیر بودن مالکیت را بیان می کند و در حقیقت به جای صفت ملکی و اسم می نشیند همانطوریکه می دانید ضمیر کلمه ای است که جای اسم می نشیند و برای رفع تکرار اسم به کار می رود.

This is my book and that is your book.

This is mine and that is yours.

در جمله ی فوق کلمه yours در حقیقت به جای your book به کار برده شده و هدف از به کار بردن آن جلوگیری از تکرار کلمه book که اسم است می باشد.

Your pencil has not a nib but mine has.

مداد شما نوک ندارد اما مداد من دارد.

ضمایر ملکی در انگلیسی عبارتند از:

Mine	مال من	ours	مال ما
yours	مال تو	yours	مال شما
[his	مال او (مذکر)	مال آنها
	hers	مال او (مونث)	
	its	مال آن (اشیا)	

جملات زیر را با دقت بخوانید و زیر ضمیر صحیح داخل پرانتز را خط بکشید:

- 1- I often go on the cinema with (him – she – he).
- 2- (him – he) wants to speak (her, she).
- 3- (she – her) always speaks to (we , us).
- 4- (us – we) know both of (they , them) well.
- 5- She lives near (I , me, we) .
- 6- He couldn't find (him , his) book yesterday.
- 7- Do you like (yours – your) new car.
- 8- The house belongs to my brother and me. I it is (our , ours) .

9- They own this garden , this garden is (theirs , them).

10- Parvin likes (her , hers) English class very much.

سوالات کنکور

1- My sister and were taken to the cinema by our uncle last night.

- a) I b) me c) mine d) myself (انسانی - ۷۲)

2- "Isn't this umbrella your sister's?"

"No , it isn't "

- a) hers b) her c) herself d) she (هنر - ۷۷)

3- My uncle's daughter had an expensive dictionary which was not

- a) her b) hers c) herself d) of her (انسانی - ۷۶)

4- A: Are these your aunt's glasses? " B: Yes, they are

- a) hers b) ours c) yours d) theirs (تجربی - ۷۶)

5- Is this your suitcase on the desk? "No , it's "

- a) John's b) he c) him d) himself (سراسری تجربی - ۷۹)

6) We lovedeeply, and have decided to get married .It is very important to us that you come towedding.

- a) eachother-our b)ourselves-our
c)us-ourselves d)ourselves-each other

7) Yeah,it is strange to believe that I organized such a big event.....

- a)me b)I myself c)on my own d)by me

8) I have taken this way before , and I am sure it will takea long time to reach the bridge.

a)we b)our c)ourselves d)us

1)a 2)a 3)b 4)a 5)a 6)a 7)C 8)d

ضمیرهای انعکاسی و تاکیدی

ضمیرهای «خودم ، خودت ، خودش ، ...» ضمیرهای پرکاربرد و آشنایی هستند که می توانند به صورت «انعکاسی» و «تاکیدی» مورد استفاده قرار بگیرند. قیافه ی این ضمیرها در هر دو حالت «انعکاسی» و «تاکیدی» یکسان و به شکل زیر است:

مفرد	معادل فارسی	جمع	معادل فارسی
myself	خودم	ourselves	خودمان
yourself	خودت	yourselves	خودتان
herself,himself, itself	خودش	themselves	خودشان

۱- حالت انعکاسی

اگر فاعل جمله، کار را «روی خودش» یا «برای خودش» انجام داده باشد، پای ضمیر انعکاسی به جمله باز می شود، و جای ضمیر مفعولی را می گیرد.

- 1- She stood in front of the mirror and looked at **herself**.
- 2- We got out of the water and dried **ourselves**.
- 3- I'm going to get **myself** some tennis shoes.

۱- او در مقابل آینه ایستاد و به خودش نگاه کرد.

۲- ما از آب بیرون آمدیم و خودمان را خشک کردیم.

۳- می خواهم برای خودم کفش تنیس بخرم.

۲- حالت تأکیدی

اگر بخواهیم روی یک اسم یا ضمیر در جمله تأکید کنیم، و بگوییم «خود آن شخص، یا خود آن چیز» و «نه هیچ شخص، یا چیز دیگر» باز هم پای این ضمیرها به جمله باز می شود. در این حالت، جایشان معمولاً بلافاصله بعد از آن اسم یا ضمیر است.

1- I **myself** spoke to the President.

2- I spoke to the President **himself**.

۱- (تأکید روی فاعل) من خودم با رئیس جمهور صحبت کردم.

۲- (تأکید روی مفعول) من با خود رئیس جمهور صحبت کردم.

اگر بخواهیم روی فاعل جمله تأکید کنیم، می توانیم ضمیر تأکیدی را بعد از مفعول و یا بعد از فعل ناگذر (لازم) هم بیاوریم.

1- I spoke to the President myself.

2- She opened the door herself.

3- We went ourselves.

۱- من خودم با رئیس جمهور صحبت کردم. (بعد از مفعول)

۲- او خودش در را باز کرد. (بعد از مفعول)

۳- ما خودمان رفتیم. (بعد از فعل ناگذر)

به نقش حرف اضافه در جمله های زیر دقت کنید. این حروف اضافه فقط برای نشان دادن «مکان» به کار رفته اند و روی مفعولی که بعدشان آمده، کاری انجام نشده است. به همین خاطر، نیازی به استفاده از ضمیر انعکاسی نیست. در فارسی اما این طور نیست.

1- She took her dog **with her**.

(NOT: ... with herself)

2- They put their child **between them**.

(NOT: ... between themselves)

3- He was pulling a small cart **behind him**.

(NOT: ... behind himself)

۱- سگش را با خودش برد.

۲- آن ها کودکان را بین خودشان نشانند.

۳- او یک گاری کوچک را دنبال خودش می کشید.

تست های ضمائر

1- Don't worry about Tina and We can take care of

- 1) me – us 2) me – ourselves
3) myself – us 4) myself- ourselves

2- A: "Did Behzad's wife cut his hair?" B: No, he cut it

- 1) herself 2) itself 3) himself 4) themselves

3- I burnt while I the dinner.

- 1) me –cook 2) myself – am cooking
3) me – was cooking 4) myself – was cooking

4- A: "Can you phone Romina for me?" B: "Why can't you phone her

- 1) yourself 2) herself 3) yourselves 4) himself

5- You and your friend must prepare all the money

- 1) yourself 2) itself
3) was yourselves 4) themselves

6- Unfortunately, my elder brother when he was trying to put out the fire.

- 1) hurt him 2) hurt himself
3) was hurting him 4) hurting him

7- We there is a problem. We hope you can help

- 1) believe – us 2) believe – ourselves

3) are believing – us

4) are believing – ourselves

8-One may overcome a thousand men in fight, but he who overcomes.....
is the greatest winner.

1)ourseves

2)themselves

3) himself

4)itself

9-I held the map upside down, confusedcompletely and got lost in
the jungle for about an hour.

1)myself

2)itself

3)himself

4)ourselves

10) A:Did any one help them do the project ?B:No, those college students
Ted and Tom,.....did the project .They actually worked together very
hard.

1)who

2)they

3)themselves

4)were those

1)2

2)3

3)4

4)3

5)3

6)2

7)1

8)3

9)1

10)3

دنباله سوالی: Tag Questions

جملاتی که مفاهیمی مثل درخواست تایید، تاکید روی موضوعی ، عدم اطمینان از
موضوعی را منتقل می کنند به بخش دوم که پرسشی است دنباله ی سوالی می گویند .

ساختار :

دنباله های سوالی ساختارهای مختلفی دارند که از جمله ی قبلی شان الگو می گیرند .هر

دنباله ی سوالی از یک فعل کمکی و یک ضمیر فاعلی ساخته می شود .

۱) در دنباله ی سوالی فقط از ضمیر فاعلی استفاده می شود .

۲) دنباله ی سوالی منفی حتما مخفف است .

۳) اگر جمله اول مثبت باشد دنباله ی سوالی منفی و اگر جمله ی اول منفی باشد دنباله ی سوالی مثبت است.

۴) اگر جمله اصلی فعل کمکی داشته باشد در دنباله ی سوالی همان فعل کمکی می آید ولی اگر فعل کمکی ندارد از did/does/do استفاده می شود.

۵) اگر جمله با there شروع شود دنباله سوالی هم حاوی there خواهد بود.

۶) اگر جمله با this/that /these/those شروع شده باشد ضمیر مناسبشان it/they خواهد بود.

نکته : no/nothing/few/little/no one/never/hardly منفی هستند.

1) Your parents are very rich ,.....?

a) weren't they b) aren't they c) don't they d) didn't they

2) He didn't paint it himself,.....?

a) does he b) he didn't c) did he d) didn't he

3) My friend and I will take in the party tomorrow,.....?

a) will I b) won't I c) will we d) won't we

4) Most of the don't speak more than one language,.....?

a) do most of them b) don't most of them c) do they d) do them

5) Those who make predictions of doom and disaster are not popular,.....?

a) are they b) are those c) aren't they d) don't they

6)It's rarely snowed at all this winter,.....?

- a)hasn't it b)has it c)isn't it d)is it

7)There is little we can do about it ,.....?

- a)isn't that b)can't we c)isn't there d)is there

8)He put his book on the shelf,.....?

- a)doesn't he b)didn't he c)isn't he d)wasn't he

9)Jane believes that her team members easily won the game because they are familiar with team work.....?

- a)aren't they b)didn't they c)didn't she d)doesn't she

10)It is a fact that all people are ready to try as hard as possible to become happy ,.....?

- a)don't they b)isn't it c) aren't they d)doesn't it

- 1)b 2)c 3)d 4)c 5)a 6)b 7)d 8)b 9)d 10)b

وجه مجهولی

The Passive Voice

جمله ها در زبان انگلیسی به دو سبک نوشته می شوند. معلوم Active یا مجهول Passive. جملاتی که با فاعل یا کننده ی کار آغاز شوند معلوم و جملاتی که با مفعول آغاز شوند، مجهول یا Passive گویند. البته اگر اهمیت مفعول بیش از فاعل باشد آن را به صورت وجه مجهولی یا مفعولی می نویسند . به جمله ی زیر توجه نمایید:

1. He broadcast the news at 8 o'clock.

او اخبار را در ساعت ۸ پخش می کند.

2. The news is broadcast at 8 o'clock. اخبار ساعت ۸ پخش می شود.

وقتی به معنی دو جمله ی بالا توجه نمایید ، خواهید دید که اهمیت اخبار بیش از گوینده ی آن است و بدین ترتیب هر جمله ای که مفعولش مهمتر از فاعل آن باشد از وجه مفعولی یا Passive استفاده می کنند.

طرز برگرداندن جمله ی معلوم به مجهول :

۱. مفعول جمله ی معلوم را در آغاز جمله ی مجهول قرار می دهیم. (اگر مفعول ضمیر باشد آن را به ضمیر فاعلی تبدیل می کنیم.)

۲. به جای فعل جمله ی معلوم یکی از مشتقات فعل **to be** را مطابق با مبتدا و همزمان با فعل معلوم می نویسیم و فعل جمله ی معلوم را به صورت اسم مفعول بیان می کنیم.

۳. در بعضی مواقع اگر گفتن کننده ی کار لازم باشد آن را در آخر جمله ی مجهول بعد از حرف اضافه ی **by** ذکر می کنیم. (البته اگر کننده ی کار ضمیر فاعلی باشد به ضمیر مفعولی تبدیل می کنیم.)

به جملات زیر توجه نمایید:

The man killed the wolf.

مرد گرگ را کشت: (معلوم)

مفعول فعل فاعل

گذشته

ساده

The wolf was killed by the man

گرگ به وسیله ی مرد کشته شد. (مجهول)

کننده کار فعل مجهول مفعول

حال

او در مدرسه به ما درس می دهد. (معلوم) He teaches us at school.

مفعول فعل فاعل

ساده

به ما در مدرسه تدریس می شود. We are taught at school (by him)

فعل مجهول مفعول

توجه : کننده ی کار اگر ضمیر باشد معمولا در آخر جمله گفته نمی شود.

فقط افعال متعدی را به صورت وجه مفعولی به کار می برند.

بعد از افعال زیر یک مفعول و سپس مصدر بدون to فعل مورد نظر نوشته می شود ولی اگر آنها را به صورت وجه مفعولی یا مجهول بنویسند فعل بعد از آنها به صورت مصدر با to خواهد بود به استثناء فعل let که در هر صورت به دنبالش مصدر بدون to قرار می گیرد.

طرز استفاده از فعل مجهول در تست:

با توجه به معنی جمله ، اگر اسم یا ضمیر قبل از جای خالی انجام دهنده ی فعل بعد از خود بود، فعل معلوم می آوریم اما اگر اسم یا ضمیر مفعول فعل پس از خود بود از فعل مجهول استفاده می کنیم.

جدول شکل مجهول زمان ها

مفعول / کننده اصلی کار	اسم مفعول	حال ساده	فاعل / نایب فاعل	زمان حال ساده
the cake		eat	I	معلوم
by me	eaten	is	the cake	مجهول
مفعول / کننده اصلی کار	اسم مفعول	حال اسمتراری	فاعل / نایب فاعل	زمان حال اسمتراری
the cake		am eating	I	معلوم

مجهول	The cake	is being	eaten	by me
زمان ماضی ساده	فاعل / نایب فاعل	ماضی ساده	اسم مفعول	مفعول / کننده اصلی کار
معلوم	I	ate		the cake
مجهول	The cake	was	eaten	by me
زمان ماضی استمراری	فاعل / نایب فاعل	ماضی استمراری	اسم مفعول	مفعول / کننده اصلی کار
معلوم	I	was eaten		the cake
مجهول	The cake	was been	eaten	by me
زمان ماضی نقلی	فاعل / نایب فاعل	ماضی نقلی	اسم مفعول	مفعول / کننده اصلی کار
معلوم	I	have eaten		the cake
مجهول	The cake	has been	eaten	by me
ماضی بعید	فاعل / نایب فاعل	ماضی بعید	اسم مفعول	مفعول / کننده اصلی کار
معلوم	I	had eaten		the cake
مجهول	The cake	had been	eaten	by me
زمان آینده ی ساده	فاعل / نایب فاعل	آینده ی ساده	اسم مفعول	مفعول / کننده اصلی کار
معلوم	I	will eat		the cake
مجهول	The cake	will be	eaten	by me

8) All the food before we got to the picnic. (سراسری انسانی ۸۶) a. has eaten b. had eaten c. had been eaten d. has been eaten

9) My bike I am going to call the police.

a) stole b) was stealing c) has been stolen d) was being stolen

10) The new high –quality models of sunglasses are going to in our factory next year.

a) be produced b) be producing c) produced d) produce

11) This is a very difficult question , so it can not so easily within a short time.

a) answer b) be answered c) to be answered d) have answered

12) You have to prepare yourself for the interview in which you a number of unexpected questions.

a) must ask b) might be asked
c) have to be asked d) should asked

13) There are several ways to pay for membership ,it either by credit card ,bank transfer , or in cash at the museum.

a) can pay b) can be paid c) should pay d) should be paid

14) The man doesn't know the A B C of driving .I wonder why he to take the car.

a) could allow b) must allow c) should be allowed d) might allow

15) After breaking his leg in the skiing accident ,to cut short his vacation and go back home.

- a)forced b) he forced c) that forced d) he was forced

16) While skiing the young boy broke his leg and.....to the hospital immediately.

- a) would be taken b) had to be taken
c) had taken d)took

17)A: Monathe manager's job ? B: But she has hardly any work experience .

- a) offers b) is offered c) has offered d) has been offered

18) Teams from many countriesto take part in the previous olympic games.

- a) didn't invite b) have not been invited
c) were not invited d) have not invited

19)The dishesyet .Could you please wash them up ?

- a) have been not washed b) have not been washed
c) are not being washed d)had not been washed

20) The chosen colors and the designs thatin finger painting may give a clue into how the painter is feeling inside .

- a) had made b)are made
c) were being made d) would be made

- 1)c 2)a 3)a 4)b 5)d 6)c 7) c 8)c 9(c 10)a
11)b 12)b 13)b 14) c 15)d 16)b 17)d 18)c 19)b 20)b

جملات شرطی conditional sentences

هر جمله شرطی از دو جمله تابع یا پیرو تشکیل می شود که یکی را شرط و دیگری را جزا یا نتیجه شرط گویند. اگر اول جمله شرطی قرار گیرد بین دو جمله (comma), میگذارند ولی اگر نتیجه اول ذکر گردد بین آن دو چیزی قرار نمیگیرد.

If she comes here , she can see me.

He will pass the exam if he works hard.

زمان در جملات شرطی

بطور کلی سه نوع جمله شرطی وجود دارد.

۱. شرط آینده که به آنها شرط واقعی گویند.

زیرا امکان انجام شرط در آینده وجود دارد. این جملات را طبق جدول زیر میسازند.

جمله شرط

جمله جزاء یا نتیجه

زمان حال (ساده - استمراری و کامل)

Shall - will - can- may } مصدر بدون +to
Must- ought to - needn, t }

If you work hard, you will pass the exam.

اگر به جدیت کار کنید. در امتحان موفق خواهید شد.

If she has finished her work, she can go home.

اگر کارش را با تمام رسانده است می تواند به منزل برود.

۲. شرط حال: باین جمله شرط غیر محتمل گویند زیرا امکان انجام شرط در زمان حال

وجود ندارد. این جمله ها طبق جدول زیر ساخته میشوند.

If you worked hard, you would pass the exam.

اگر بجدیت کار میکردید قبول می شدید. (ولی قبول نشده اید).

If today were holiday, we would go on a picnic.

اگر امروز تعطیل بود به پیک نیک می رفتیم. (امروز روز تعطیل نیست).

توجه:

فعل to be در این زمان با همه صیغه ها همیشه بصورت **were** است چون غیر واقعی

است ولی گاهی که عملی ممکن باشد از **was** نیز استفاده میکنند.

Supply the correct tense of the verbs in brackets

1. You (be) ill if you eat too much.
2. If she were older, she (have) more sense.
3. If you (read) the book carefully, you would understand it.
4. If the children (be) good, they can stay up late.
5. I (buy) that car, if it were not so dear
6. If it (be) fine tomorrow, I shall play tennis.
7. She would go out with you if you (ask) her nicely.
8. If you (go) away. Please write to me.
9. I would knit another sweater if (have) more wool.
10. We are going to play tennis this afternoon if it (stop) raining.

تست های شرطی

1. They would do it if they.....
a. could b. can c. should d. could have
2. If the sun didn't shine fruit.....
a. wouldn't ripe b. wouldn't ripen
c. will not ripe d. hadn't ripe

سوالات کنکور

1. If you your money, you will be able to buy a wrist – watch next year. (علوم انسانی - ۷۳)

- a. save b. saved c. is saving d. had saved

2-Ito save the man if I knew how to swim

- a)tried b) will try c)would try d)had tried

3- The picture painted by the child was so fantastic that even great painters wondered if sheit without any help.

- a)had painted b) was painted
c) have painted d) would paint

4-I am absolutely sure that Jennifer would do the same task differently if sheyou.

- a)is b)was c) were d) had been

5- If he doesn't stop,he is going to get in to trouble with the police.

- a)stealing b)to steal c)steals d) to stealing

6-If youup , you will arrive late .

- a)didn't hurry b)don't hurry c) won't hurry d) hurry

7-Youyour back if you lift up that chair alone.

- a) Are breaking b) were breaking
c)will break d) would break

8-If those studentsgood grades, they will have to repeat the course.

- a) receive b) have received
c) do not receive d) are not received

9-You cannot see an image if it.....the blind spots on your eyes.

- a) falls on b) fell on c) has fallen on d) is falling

10-If driversspeed limits , fewer accident would occur.

- a) obey b)obeyed c) had obeyed d) would obey

1)b 2)c 3) a 4)c 5)a 6)b 7)c 8)c 9)a 10)b

ضمایر موصولی Relative pronouns

تعریف: ضمایر موصولی کلماتی هستند که به جای شخص در جمله قرار می گیرند و دو جمله را بهم متصل می سازند. مثال:

The boy is my brother.

پسر برادر من است.

The boy is playing the piano.

پسر پیانو می نوازد.

در جمله دوم بجای the boy از ضمیر who که حالت فاعلی دارد استفاده کرده و دو جمله را به هم متصل می کنیم.

توجه کنید که ضمیر موصولی همیشه باید پهلوئ مرجع خودش که در اینجا (the boy است) قرار گیرد.

The boy who is playing the piano is my brother.

پسری که پیانو می زند برادر من است.

به جمله ای که با who آغاز شده و در زیر آن خط کشیده شده است جمله توصیفی گویند زیرا به عنوان صفت برای پسر بکار رفته است. اگر بجای the boy اسم خاصی قرار دهیم آن جمله در داخل دو (') نوشته می شود و به آن جمله غیرتوصیفی اطلاق می شود.

Ali, who is playing the piano, is my brother.

در حالت مفعولی از whom استفاده می کنند.

The boy is my brother. You saw the boy last night.

The boy whom you saw last night is my brother .

پسری را که دیشب دیدید برادر من است.

ضمیر whom را در جملات توصیفی می توان حذف کرد ولی در جملات غیر توصیفی نمی توان حذف کرد.

به تست زیر توجه نمائید:

The old man is his grandfather.

- a) who you saw b) whom you saw him
c) you saw d) that you saw him

در این تست انتخاب c صحیح است زیرا whom در حالت مفعولی حذف شده است.

Ali, last night , plays the piano very well/.

- a) you saw b) whom you saw
c) that you saw him d) who you saw

در این جمله انتخاب b صحیح است زیرا جمله غیرتوصیفی است یعنی قبل از ضمیر موصولی (,) قرار گرفته است و به این دلیل انتخاب a غلط خواهد بود.

ضمایر that , which را که در مورد اشیا بکار برده میشوند و در حالت مفعولی در جملات بدون (,) می توان حذف کرد.

The car is expensive.

اتومبیل گران است.

میخواهم اتومبیل را بخرم.

I want to buy the car.

I want to buy the car which is expensive.

در این جمله می توانیم which را حذف نماییم ولی which در حالت فاعلی حذف نمی شود.

The car is expensive. The car has four doors.

The car which has four doors is expensive.

اتومبیل که چهار در دارد گران است.

برای اینکه بتوانید این ضمایر را در تست های ۴ جوابی تشخیص دهید به جدول زیر توجه فرمایید.

حالت فاعلی دارد	فعل + who + اسم انسان
حالت مفعولی	یک فاعل دیگر + whom + اسم انسان
حالت ملکی	یک اسم + whose + اسم شخص یا کشور یا شهرهای بزرگ
حالت فاعلی	فعل + which + اسم شی یا حیوان
حالت مفعولی	یک فاعل دیگر + which + اسم شی یا حیوان
حالت فاعلی	فعل + that + اسم انسان یا حیوان یا شی
حالت مفعولی	یک فاعل دیگر + that + اسم انسان یا حیوان یا شی + یک فاعل دیگر + what + فعل یا قید

توجه:

ضمیر that را در جملات غیرتوصیفی یعنی جملاتی که در داخل کامل (,) نوشته شده اند نمی توان بکار برد.

قبل از ضمیر that حروف اضافه قرار نمی گیرد.

معمولا بعد از کلمات nothing – a little – all – a few – few – anything

some – something – nothing – much – only-any

از ضمیر that استفاده می کنند. ضمائر دیگر بعد از این کلمات غلط خواهد بود.

حذف ضمائر موصولی **who – which – that** در حالت فاعلی

این ضمائر را همراه با فعل در جمله می توان حذف کرد و جمله پیرو را به عبارت وصفی تبدیل نمود. مثال:

The boy who is standing at the door is his brother.

The boy standing at the door is his brother.

The pen which is lying on the desk is mine.

The pen lying on the desk is mine.

1- The student book I still have can come to collect it after lesson.

a) who b) whose c) which d) that

2- The boy lost his book is waiting in the office.

a) what b) which c) who d) whose

3- The house he lives in needs repairing.

a) where b) what c) whose d)

4- Children eat a lot of sugar often get bad teeth.

a) who b) whose c) his d) what

5- The man car you borrowed needs it tomorrow.

a) that b) whose c) his d) what

6- Go and find the driver arrived here yesterday.

a) he b) who c) whose d) what

7- I cannot come at the time you suggested last week.

a) when b) who c) what d) ...

8- He has gone to fetch the animals are drinking in the river.

a) that b) they c) who d) ...

9- The girl mother is ill is staying at home today.

a) her b) ... c) who d) whose

10- The boys we heard shouting were watching a football match.

a) them b) they c) ... d) what

11- I enjoyed the book you lent me.

a) what b) that c) it d) when

12- The boy told the police outside.

a) who found it b) found it c) he found it d) who found

13- The cleaner is waiting outside.

a) about who I spoke b) I spoke about
c) I spoke about him d) about whom I spoke

14- The book is not in the library.

a) that I need it b) I need it c) which need it d) I need

15) Do you remember the painfully thin manburst in to laughter for an old picture of his late dad'swas shown to him ?

- a)whom-that b)who-whom c)who-that d)which-that

16) We do not have all the books that were requested ; we are sending are in stock .

- a)what they b)those that c)which d)those

17) The study also asked the studentsthe workshop sessions to rate how the sessions influenced their stress level.

- a)attended b)to attend c)were attended d)who attended

18) The employees.....to the manager as soon as they occurred realized that they were more easily and quickly solved.

- a)reported the problem b)who reported the problems
c)that the problems they reported d)whom the problems reported

19) To be honest ,I 've watched so many films lately.....to tears that I've forgotten their names.

- a)to make me bored b)which have bored me
c)when they bored me d)which I was bored

20) China is the countrypaper ,silk and gunpowder were first produced in.

- a)in that b)in where c)in there d)that

21)Each year, universities in the west take in quite a number of studentscome from Asian countries.

- a)who b)they c)that they d)most of them

22- The driver was fined by the police officer had not stopped at the red light.

- a) who b) whom c) whose d) which (علوم تجربی - ۷۳)

23- The writer has written this interesting story is very famous.

- a) which b) who c) whom d) whose (علوم انسانی - ۷۳)

24- This is the student book I borrowed the day before yesterday.

- a) whom b) whose c) who d) which (هنر - ۷۴)

25- The man over there name I don't remember is an artist.

- a) whom b) that his c) whose d) who (هنر - ۷۷)

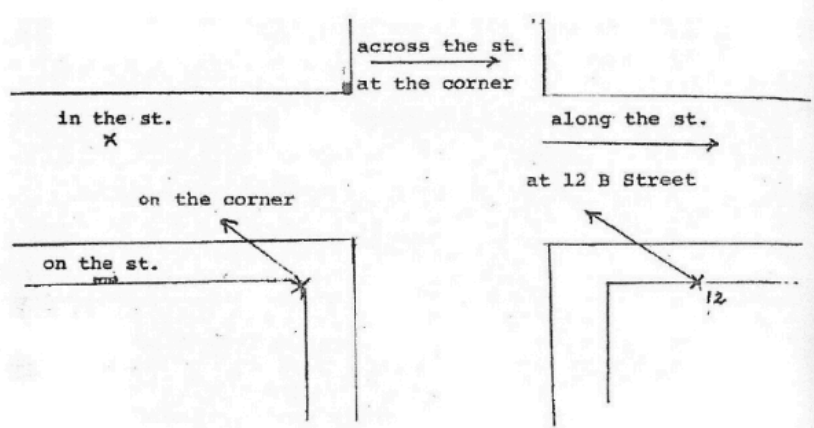
1)b 2)c 3)a 4)a 5)b 6)b 7)a 8)a 9)d 10)c 11)b 12)a 13)b
14)d 15)c 16)b 17)d 18)b 19)d 20)d 21)a 22)d 23)b 24)b 25)c

حروف اضافه

Prepositions

مبحث حروف اضافه بسیار پیچیده است زیرا هر فعلی برای خودش نوعی حرف اضافه قبول می کند و یا بعضی ها قبول نمی کنند. در زبان فارسی حروف اضافه ای داریم که به هیچ وجه با حروف اضافه انگلیسی قابل مقایسه نیست. در این مجموعه فقط به حروف اضافه ای اشاره خواهد شد که تقریباً معنی ثابتی دارند و یا حروف اضافه ای که در تستهای کنکور مورد استفاده قرار می گیرند.

۱- حروف اضافه ای که در مورد خیابان بکار برده می شود.



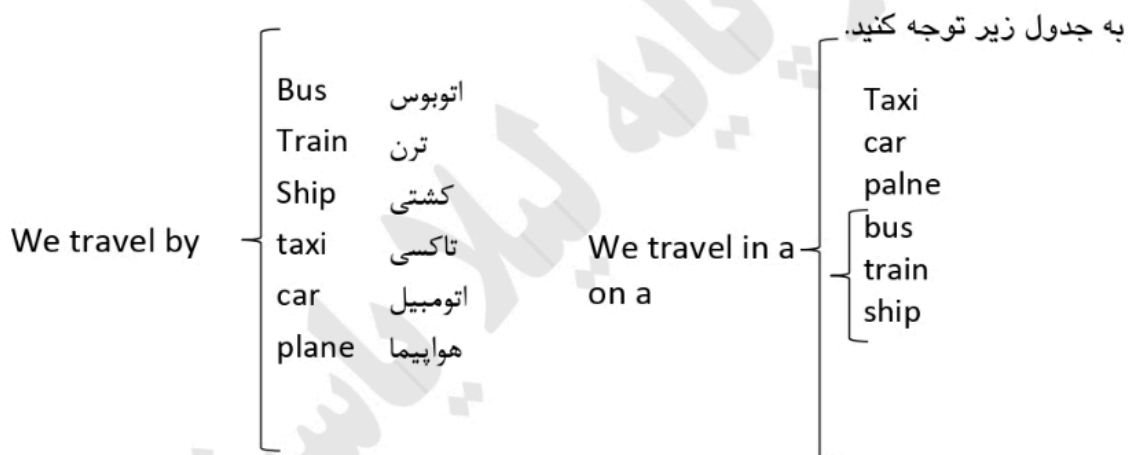
با مشاهده کروکی بالا مشاهده می کنید که حروف اضافه فارسی اصلاً با انگلیسی قابل مقایسه نیستند. طول خیابان را با along - عرض خیابان را با across - داخل خیابان in در پیاده رو on - مغازه ها و خانه ها در خیابان با on - اگر شماره مغازه یا خانه گفته شود با at - سرچهارراه را با at - ولی در پیاده رو چهارراه یا مغازه دو نبش را با on the corner - دور زدن در چهارراه را با round .

۲- حروف اضافه مخصوص وسائل نقلیه

هرگاه وسایل نقلیه بطور اعم بکار رفته باشد یعنی در جلوی آن هیچ نوع حرف تعریف (a the) - یا هیچ نوع صفتی نباشد با by نوشته می شوند. مثال:

I go there by bus.

ولی اگر دارای حرف تعریفی یا صفتی باشد از on یا in استفاده می کنند.



با اسمهای دوچرخه، موتورسیکلت، اسب، شتر، الاغ و غیره بدون حرف تعریف by و با حرف تعریف on بکار می برند.

He goes to work by car.

He goes to work in his car.

I usually travel by plane.

He travelled in the plane.

۳- حروف اضافه on – at – into – in

at معنی در کنار می دهد و با اسمهای مکان که محدود و کوچکند بکار رفته و معنی در یا در کنار می دهد.

at the seaside – at school – at the station – at the door – at the village – at the country – at the table.

in معنی در داخل می دهد و بیشتر داخل مکانهای دربسته یا با اسم شهرها - استانها کشورها بکار برده می شود.

in the room – in Iran – in Tehran – in Kerman

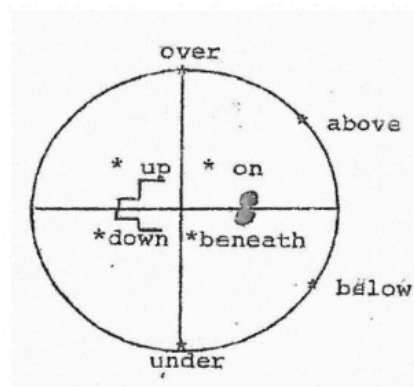
on معنی در روی دارد. چیزی که با سطح زمین یا چیز دیگری در تماس باشد.

on the table – on the ground – on the farm

into معنی بداخل می دهد و معمولا با افعالی که دارای حرکت هستند بکار برده می شود.

go into room – jump into water

فرق on – above – up – و نیز below – under – beneath – down به تصویر زیر توجه نمایید.



بطوری که ملاحظه می کنید حروف اضافه ای که در نیم دایره بالایی قرار گرفته اند همگی معنی بالای و یا روی دارند در حالی که نیم دایره پایینی معنی (پایین - زیر) دارند که متضاد کلمات بالایی هستند.

حروف اضافه دیگر عبارتند از: با = with ، علاوه بر = besides ، پهلو = beside

از = of ، دور از = off ، علیرغم = despite ، علیرغم = in spite of

از میان = through ، در خارج = outside ، در داخل = inside ، از = from که در شرح تست ها توضیح خواهیم داد.

وظیفه حرف اضافه این است که یک اسم، یک ضمیر، یک عبارت را به دیگر کلمات داخل جمله ربط بدهد.

سه حرف اضافه ی رایجی که برای زمان و مکان به کار می رود عبارت است از on , at , in بیان یک قاعده ی کلی برای یادگیری حروف اضافه دشوار است و بهتر است آن ها را در قالب عبارت های آشنا به خاطر بسپارید. اما شاید بشود به طور کلی گفت که in بزرگتر و کلی تر از on , at است و حرف اضافه ی at کوچک تر و دقیق تر از دو دوست دیگرش. حرف اضافه ی on هم جایی بین این دو دارد.

آشنایی با ۳ حرف اضافه ی رایج برای بیان زمان

IN	در هفته، ماه، فصل، سال، قرن	in September, in 1970, in the 21 st centry
	در بخشی از روز بدون ذکر روز مورد نظر	in the morning, in the evening
	طی یک دوره ی زمانی خاص	In Norooz holidays
	همراه با night برای اشاره به «یک زمان معین در طول شب»	I woke up in the night. (= I woke up in the middle of the night.)
ON	در روز، در تاریخ در بخشی از روز با ذکر روز مورد نظر	on Friday, on 19 September, on that day on Friday morning, on Tuesday evening
AT	در ساعت یا زمان خاص	at three o'clock, at that time, at the moment
	در زمان صرف غذا	at lunch, at dinner time
	در دو یا چند روز به خصوص	at Christmas, at the weekend (US: on the weekend)
	همراه با night به معنی کلی «شب ها، شب هنگام»	I can't sleep at nigh. (= I can't sleep when it's night.)

آشنایی با ۸ حرف اضافه ی رایج برای بیان مکان

IN	در جایی، محصور در جایی، درون جایی	I watch TV in the living-room. I live in New York. Look at the picture in the book. She looks at herself in the mirror. She is in the car. Look at the girl in the picture. This is the best team in the world.
		روی چیزی و در تماس با آن

ON	در سمت چپ یا راست، در صفحه	The shop is on the left. You can find it on page 5.
	طبقه ای در ساختمان	My apartment is on the first floor.
	در وسایل نقلیه ی بزرگ	I love traveling on trains / on the bus / on a plane.
	در رادیو یا تلویزیون	My favorite program on TV/ on the radio.
AT	در محل یا موقعیت دقیق	I met her at the entrance. She was at the bus stop.
	پشت میز	She sat at the table.
	در مراسم، در رویداد	At a concert, at the party
	در محلی با کاربری خاص به قصد انجام همان کار (در سینما برای فیلم دیدن)	at the movies at university at work
BY NEXT TO BESIDE	در مجاورت، نه خیلی دوراز، کنار	The man who is by the house. The man who is next to the house. The man who is beside the house.
IN FRONT OF	جلوی، در مقابل	She started talking to the man in front of her.
BEHIND	پشت	I hung my coat behind the door.

choose the correct preposition

1- Our friends are going to visit us Thursday night.

- a) on b) at c) in d) into

2- The car is the garage.

- a) on b) at c) into d) in

3- The bus stops the church.

- a) at b) on c) in d) through

4- The thief climbed the house through an open window.

a) at b) into c) on d) at

5- The dog jumped the fence.

a) over b) on c) at d) into

6- He walked the room.

a) at b) of c) into d) on

7- She studied English 7 to 10 o'clock last night.

a) of b) as far as c) from d) until

8- I am going to wait for her midnight.

a) up b) at c) until d) of

9- His house is 72 Villa street.

a) on b) at c) in d) into

10- She lives in a big house 5th Avenue.

a) on b) at c) in d) of

11- My uncle lives a village near Tabriz.

a) in b) at c) on d) for

12- I haven't seen her two days.

a) for b) since c) on d) in

13- The train will leave five minutes.

a) in b) at c) till d) until

14- It has been raining steadily this morning.

a) for b) since c) until d) up to

15- Some people prefer to live a big city.

a) at b) for c) on d) in

16- The airplane flew the city.

- a) over b) on c) upon d) through

17- The temperature was zero degree last night.

- a) up b) under c) below d) down

18- People usually go to work bus.

- a) on b) in c) by d) at

19- He walked the street and went into a store on the other side.

- a) across b) along c) in d) through

20- Wait for us on the corner 36th street.

- a) of b) at c) in d) up

21- Sit that chair and study your book.

- a) on b) at c) in d) into

22- We usually sit the dining table and have our dinner.

- a) at b) on c) under d) up

23- The cat is sitting the table.

- a) below b) under c) in d) up

24- The dog is the wall that is why you can't see it.

- a) on b) over c) behind d) under

25- He arrived New York at five o'clock in the afternoon.

- a) in b) at c) to d) for

1)a 2)d 3)a 4)b 5)a 6)c 7)c 8)c 9)b 10)a 11)a 12)a 13)a 14)b

15)d 16)b 17)c 18)c 19)a 20)a 21)a 22)a 23)b 24)c 25)a

سوالات کنکور

1)Every year my father calls all family members to discuss where we should govacation .

- a)for b)in c) at d)on

2)Nolde starts thatthe 1st of February 1893 in the desert north of Hail the temperature fell from 78 a little before sunset to 18 a quarter of an hour after.

- a)at b)in c)on d)for

3)The two friends planned to leave their home countrySeptember 15th ,2020.

- a)on b)at c)in d)for

4)A:Do you know where Ali lives?

B:Yes .He livesnumber 30.....Azadi street.

- a)at-at b)on-on c)at-on d)on-at

5)A:I am not sure ,but I think the final game will be 9 o'clock,..... Monday 27.

- a)in-on b)at-at c)in-at d)at-on

6) A:Where is Ali ? B: I've heard that he isholiday.

- a)at b)on c)in d)from

7) My view of the stage was blocked by the big hat of the woman sittingme.

- a)over b)at c)in front of d)in

8) Because I was ill yesterday ,I stayedhome and didn't take the exam.

- a)in b)on c)at d)next to

9)page 110, you will find a list of prepositions of time and place.

- a)Beside b)In c)Over d)on

10)A: Is Mehdi's birthdayMay ? B:Yes ,It isthe 21th.

- a)in-at b)on-it c)in-on d)on-at

1)d 2)c 3)a 4)c 5)d 6)b 7)c 8)c 9)d 10)c

اسم مصدر (gerund) مصدر (infinitive)

مصدر کلمه است که ریشه فعلی دارد که انجام یک کار را نشان میدهد. بدون ذکر فاعل و زمان انجام آن.

رفتن to go خرید to buy دیدن to see

اگر در یک جمله واحد ۲ فعل داشته باشیم، فعل اول که فعل اصلی جمله است براساس زمان جمله و معنی مورد نظر ما صرف می شود اما شکل فعل دوم بر اساس فعل اول تعیین می شود.

توجه : دو فعل معروف که بعد از آنها مصدر بدون to استفاده می شود (اجازه دادن) let و (و اداری کردن) make می باشد .

He **made** me **clean** my room.

My father didn't **let** me **go out** late.

افعالی که بعد از آنها یک مصدر قرار می گیرد:

learn	یاد گرفتن	promise	قول دادن
want	خواستن	agree	موافقت کردن
decide	تصمیم گرفتن	forget	فراموش کردن
pretend	و انمود کردن	consent	راضی شدن - مواظبت کردن
wear	قسم خوردن	refuse	امتناع کردن - قبول نکردن
neglect	مسامحه کردن	try	سعی کردن
Propose	پیشنهاد کردن	fail	شکست خوردن
attempt	کوشش کردن	hesitate	شک کردن - تردید کردن
hope	امیدوار بودن	undertake	بعهده گرفتن
determine	تصمیم گرفتن	arrange	ترتیب دادن
manage	توانستن - قادر بودن	seem	بنظر رسیدن
remember	به خاطر آوردن	prefer	ترجیح دادن

توجه: بعد از افعال attempt , prefer , neglect , forget , remember شکل ing فعل نیز قرار می یگیرد.

صحبت کردن انگلیسی را در آمریکا یاد گرفت.

She learned to speak English in the U.S.A

به این ساختار توجه کنید:

It + tobe + adj + (for + obj) + infinitive or

مصدر با to + (مفعول + for) + صفت + tobe + It

رایج ترین صفاتی که در فرمول بالا می آیند:

صفات	
صفت اهمیت	important , necessary , ...
صفت تکرار	usual, common , ...
صفات سختی، آسانی	easy , hard , difficult , ...
صفات احساسات شخصی	nice, interesting , ...
صفات دیگر	safe , dangerous , possible , ...

It is important to tell the truth.

It is important for us to tell the truth.

اسم مصدر:

(Gerund) اسم مصدر کلمه ای است که ریشه فعلی دارد و با اضافه کردن ing به آخر

فعل تشکیل می گردد. اسم مصدر کلیه خواص اسم را دارد.

Smoking is forbidden here.

سیگار کشیدن در اینجا ممنوع است.

موارد کاربرد اسم مصدر:

Gerund در موارد زیر به کار میرود:

۱- به عنوان فاعل یا مسندالیه جمله مثال:

Reading French is easier than writing.

خواندن زبان فرانسه آسان تر از نوشتن آن است

۲- به عنوان مفعول جمله : مثال

I like swimming in summer.

من شنا کردن در تابستان را دوست دارم.

۳- به عنوان صفت قبل از اسم . مثال:

This swimming pool is too deep.

۴- در ممنوعیت هایی که به صورت عبارات کوچک نوشته می شود. مثال No smoking

سیگار کشیدن ممنوع

۵- بعد از حرف اضافه از اسم مصدر استفاده می گردد: مثال:

He is good at telling lies.

۶- بعد از افعال و عبارات زیر اسم مصدر به کار می رود.

- | | |
|------------|--|
| 1- Stop | دست کشیدن - متوقف کردن |
| 2- finish | تمام کردن - به پایان رساندن |
| 3- prevent | ممانعت کردن - بازداشتن از - جلوگیری کردن |
| 4- avoid | دوری کردن - دوری جستن |

5- risk	ریسک کردن - خود را به مخاطره انداختن
6- enjoy	لذت بردن - خوش گذرانی کردن
7- mind	اهمیت دادن
8- deny	انکار کردن - تکذیب کردن - انکار کردن
9- Consider	ملاحظه کردن
10- appreciate	قدردانی کردن
11- excuse	بخشیدن
12- admit	پذیرفتن - قبول کردن
13- dislike	دوست نداشتن - نفرت داشتن
14- delay	درنگ کردن
15- forgive	بخشیدن

نکته : با حفظ کردن مصدر ing دار می توان کل سوالات مصدر را جواب داد.

Test :

1- My mother disliked me with impolite boys.

- a) sees b) saw c) see d) seeing

2- It is important for my younger brother good clothes.

- a) wears b) wear c) wearing d) to wear

3- He was in a hurry, but he finished his father's room.

- a) paint b) painting c) to paint d) painted

4- I will do the shopping when I finish the dishes.

- a) wash b) washing c) washed d) to wash

5- David had lots of holiday photographs.

He insisted on them to me.

- a) showing b) to show c) shows d) show

6- It is necessary for him the accident to the police.

- a) report b) to report c) reporting d) reports

- 1)d 2)d 3)b 4)b 5)a 6)b

تست مصدر بیشتر:

1- I have decided my book.

- a) to read b) reading c) read d) that read

2- Please let me you with your book.

- a) that I help b) to help c) help d) helping

3- They prefer their money on theater to sending it on books.

- a) spending b) spent c) spend d) to be send

4- You promised and see me soon.

- a) come b) that come c) to come d) coming

5- He warned me anything

a) to touch b) not to touch c) touching d) touch

6- I forgot to remind him his camera

a) bring b) that bring c) to bring d) binging

7- They want all the taps.

a) repair b) to repair c) repairing d) repaired

8- He asked me there and help him

a) go b) to go c) going d) went

9- He doesn't know how

a) to swim b) swim c) is swimming d) swimming

10- It is hard for me there.

a) go b) going c) to go d) went

1)a 2)c 3)a 4)c 5)b 6)d 7)b 8)b 9)a 10)c

سوالات کنکور

1- Our teacher usually asks the students close attention when he's teaching a new lesson.

a) pay b) paying c) paid d) to pay (علوم تجربی - ۷۵)

2- I think it is to keep animals in zoos. (منحصراً زبان سراسری - ۸۳)

a) serious b) cruel c) financial d) emotional

3) The head of the company are considering, if possible,newly – developed copy machines in each room.

- a)to instal b)that install c)which install d)installing

4) I cannot imagineof speaking in public . It is what I am used to doing , but evidently not many people share this view point.

- a)to frighten b)frightening c)to be frightened d)being frightened

5).....in a short time, especially when you are a true beginner ,is something almost impossible to do.

- a)A language to learn 2)You learn a language
c) learning a language d)A language which you learn

6)Ted finishedtwo of his compositions last week.

- a) write b) writing c)written d)to write

7) Every one in the neighborhood took partfor the missing child .

- a) searching b)to search c)for searched d)in searching

8)Just imaginein the country where it is always warm and sunny.

- a)living b)to live c)that live d)of living

9) We should not continue with our old educational system without

It to see whether it is suitable or not.

a)examination b)examining c)to examine d)doing examination

10) My friend is really interested intennis.

a)play b) playing c)to play d) played

11)Keepuntil you get to the crossroad and then turn left.

a) go b) to go c) going d)be going

12)He was surprisedme sitting behind his desk.

a)saw b)seeing c)to see d)see

13)Fred didn't have any money ,so he decideda job.

a)to find b)finding c)have found d)having been found

14)It was careless of you the door unlocked when you went out.

a) leaving b)left c)leave d)to leave

1)d 2)b 3)d 4) d 5)c 6) b 7)d 8)a 9)b 10)a 11)c 12)c 13)a 14)d

اسم:

اسم کلمه ای است که برای نامیدن چیزی یا مجموعه ای از چیزها (موجودات زنده، اشیا، مکان ها، مفاهیم و ...) به کار می رود اسم ها در گروه های مختلفی طبقه بندی می شوند عام و خاص مفرد و جمع، معرفه و نکره، قابل شمارش و غیر قابل شمارش، ذات و معنی

و..

اسم عام در برابر اسم خاص

اسم عام (common noun) اسمی است که بر همه ی افراد، اشیا و مفاهیم دلالت می کند و بین همه ی آنها مشترک است مثل man , dog , table

اسم خاص (proper noun) اسمی است که تنها به یک فرد یا شی اشاره دارد و همه را شامل نمی شود در زبان انگلیسی اسم خاص را همیشه با حرف بزرگ شروع می کنیم و قبل از آن، حرف تعریف به کار نمی بریم مگر در موارد استثناء:

France , Madrid , Sohrabi , Reza

اسم های عام به خصوص در حالت مفرد به تنهایی در جمله به کار نمی روند و بیشتر اوقات یکی از ۴ عامل زیر قبل از اسم عام قرار می گیرد.

۱- صفت های ملکی : my friend , your phone number

۲- صفت های اشاره: همان «این» و «آن» خودمان است با این تفاوت که شکل جمع و مفردش با هم فرق دارند.

this child these children

that house those houses

۳- حرف تعریف **the**: وظیفه ی the این است که اسم را معرفی می کند وقتی گوینده می گوید the car یعنی دارد از ماشین خاصی حرف می زند که برای شنونده مشخص است.

I went to the doctor.

Could you give me the book?

۴- حرف تعریف **a , an** : این دو تا قبل از اسم مفرد می آیند و آن را نکره می کنند.

A doctor must like people

She is a nice girl.

توجه: اگر اسم مورد نظرتان با یک (مصوت) (a, e, i, o, u) با یک (h) خاموش شروع شده باشد an را انتخاب کنید.

an apple , an island , an hour

جمع بستن اسم:

علامت جمع در انگلیسی s است که در انتهای اسم مفرد قرار می گیرد و آن را به اسم جمع تبدیل می کند.

day → days

dog → dogs

در صورتی که اسم به x , s , sh , ch و یا o ختم شده باشد برای جمع بستن از es استفاده می کنیم.

toamato → tomatoes

box → boxes

در ۱۲ اسم زیر حرف f یا fe در حالت جمع به (ves) تبدیل می شود.

Calf , half , leaf , life , loaf , self , sheaf , shelf , thief , wife , wolf, sheaf

شکل جمع بعضی از اسم ها، بی قاعده است این اسم ها با اضافه کردن s جمع بسته نمی شوند پس ناچاریم شکل بی قاعده آن ها را بخاطر بسپاریم.

foot → feet

child → children

mouse → mice

woman → women

man → men

نکاتی چند درباره حروف تعریف نامعین **an , a**

الف) این حروف تعریف برای اسمهای مفرد قابل شمارش بکار برده می شوند. هیچ اسم مفردی در حالت نامعین بدون این حروف بکار برده نمی شود.

مثال :

A table is made of wood.

میز از چوب ساخته می شود.

An apple is a kind of fruit.

سیب یک نوع میوه است.

ب) با اسمهای قیمت، سرعت و نرخ و غیره بکار برده می شود.

کیلوئی ۲۰ تومان 20 tomans a killo

هفته ای یکبار once a week

۶۰ کیلومتر در ساعت 60 kilometer an hour

ج) an با اسمهایی بکار برده می شود که با حرف صدارا شروع شده باشد.

یک تخم مرغ an egg یک پرتقال an orange

د) اگر اسمی با حرف صدادار شروع ولی صدای (یویاوان) داشته باشد از a استفاده می کنند.

یک دانشگاه a university

یک اروپایی a European

یک آپارتمان یک خوابه a one – bed – room apartment

ه) اسم هایی که با (h) گنگ آغاز شوند با an بیان می کنند.

یک ساعت an hour

یک مرد باشرف an honest man

نکاتی درباره حروف تعریف نامعین the

The – a را با اسمهای عام که معین شده باشند چه مفرد و چه جمع بکار می برند.

Give me the book which you are reading.

کتابی را که می خوانید بمن بدهید.

b – اسمهای خاص آثار و کتابهای منحصر به فرد را با the بیان می کنند.

قرآن the Qoran

ماه the moon

مجسمه آزادی the statue of liberty

خورشید the sun

c – با اسم خاص رودخانه ها، اقیانوسها، خلیج ها و دماغه ها the را بکار می برند.

رودخانه کارونی The Karun river

اقیانوس هند The Indian ocean

دریای خزر The Caspian sea

خلیج فارس The Persian Gulf

d – با اسم خاص زبانهای کشورها حروف تعریف بکار نمی برند ولی اگر با کلمه language همراه باشند با the بیان می کنند.

English – The English language

توجه: اگر با اسم زبانهای کشورها حرف تعریف بکار برند آن تبدیل به اسم جمع می شود.

The French مردم فرانسه

The English مردم انگلستان

e - با اسم خاص اشخاص، کشورها، خیابانها حرف تعریف بکار نمی برند ولی اگر اسم خیابان بعنوان صفت برای اسمی بکار رفته باشد آنرا با the بیان می کنند.

Villa street خیابان ویلا

The Villa street shops. مغازه های خیابان ویلا

F - با اسم آلات موسیقی حرف تعریف the را بکار می برند.

The piano – the violin – the flute

g - با اسم کشورهاییکه از چند کلمه تشکیل شده باشد حرف تعریف the بکار برده می شود.

The United States of America ایالات متحده آمریکا

The Islamic Republic of Iran جمهوری اسلامی ایران

h - با اسم رشته کوهها حرف تعریف the بکار می برند ولی با اسم یک کوه تنها the بکار برده نمی شود.

The Alborz mountains رشته کوه البرز

Mount Everest کوه اورست

I - اگر بعضی از صفات انسانی را با حرف تعریف the بکار برند به اسم جمع تبدیل می شوند.

the rich ثروتمندان the dead مردگان
the poor فقرا

سوالات کنکور

۱- When I was still a school boy, I was interested in history and wanted to study history of my country (ریاضی - ۷۲)

- a) a b) an c) the d) ...

2- Nowadays one-storey house is much more expensive than an apartment. (علوم تجربی - ۷۲)

- a) an b) a c) the d) ...

3- Mary is only student who speaks three different foreign languages perfectly in our class. (علوم انسانی - ۷۲)

- a) a b) an c) the d) ...

4- Our grandfather often gets up early in morning. (علوم انسانی ۷۳)

- a) a b) an c) the d) ...

5- In Islam, much attention has been paid to education of children . (علوم انسانی - ۷۴)

- a) a b) an c) the d) ...

6- Mohmood is eager to keep working although he's rather tired.

(علوم تجربی - ۷۴)

- a) at b) by c) on d) ...

7- It was raining outside, so I used umbrella my mother bought me yesterday. (علوم ریاضی و فنی - ۷۵)

- a) a b) an c) the d) ...

8- I had a toothache , so I made appointment with the dentist. (ریاضی و فنی - ۷۷)

- a) a b) an c) the d) ...

9- I say that Ali can play outside, but he mustn't leave yard. (سراسری انسانی - ۷۷)

- a) an b) c) a d) the

10- We are going on trip with Browns before Christmas. (منحصراً زبان سراسری - ۸۴)

- a) a, the , ... b) ... , ... , the c) a, ..., the d) the, ... , ...

11) It was that he had of his grandmother and sadly it got burned in a fire .Now ,she cannot help being regretting such a terrible loss.

- a) only photograph b) an only photograph
c) the only photograph d) the only photographs

1)c 2)b 3)c 4)c 5)c 6)c 7)c 8)b 9)d 10)c 11)c

بند‌های اسمی (noun clauses)

پیرو اسمی (یا جمله پیرو اسمی یا جمله واژه ی اسمی یا جمله اسمیه) جمله ای است که در نقش اسم به کار می رود. یعنی تمام نقش هایی را که یک اسم می تواند ایفا نماید بازی می کند. مثال:

۱- فاعل

پیرو اسمی (فاعل)

What is important is the amount of food .

چیزی که مهم است غذا است .

۲- مفعول

پیرو اسمی (مفعول)

I know what you need.

می دانم چه چیزی می خواهی.

۳- متمم حرف اضافه

پیرو اسمی (مفعول حرف اضافه)

He talked about what he needed.

او راجع به آنچه نیاز داشت صحبت کرد .

بندهای اسمی در جمله نقش اسمی دارند و چنانچه با کلمه پرسشی شروع شوند ساختار جمله بعد از آن به صورت یک جمله ی خبری است، یعنی فاعل قبل از فعل ذکر می شود.

I know something.

When did he telephone her?

بند اسمی (نقش مفعولی)

I know when he telephoned her.

توجه کنید:

I wonder where does he usually meet her?

غلط

I wonder where he usually meets her.

درست

I know when will he arrive.

غلط

I know when he will arrive.

درست

He won't tell us what did he make .

غلط

He wont tell us what he made.

درست

توجه مهم : جمله سوالی در دل یک جمله دیگر حالت سوالی ندارد.

ساختن اسم از فعل :

گاهی با اضافه کردن پسوندهای tion – ance – ence به فعل اسم درست می شود. در این حالت تغییراتی از نظر دیکته هم در اسم پیدا می شود.

قید	صفت	اسم	فعل	
	راهنمایی	Guidance	guide	→ <i>ance</i>
	وجود	Existence	exist	→ <i>ence</i>
	دعوت	Invitation	invite	→ <i>tion</i>
	توضیح	Explanation	explain	→ <i>tion</i>
	مهاجرت	Migration	migrate	→ <i>tion</i>

شکل صحیح کلمات داخل پرانتز را در جاهای خالی بنویسید.

1- I accepted their to have lunch with them. (invite)

پاسخ invitation چون بعد از صفت ملکی their به اسم احتیاج داریم.

2- Do you know anything about the of birds . (migrate)

the + اسم + of

پاسخ migration چون

3- Ali did the experiment under the of his teacher . (guide)

the + اسم + of

جواب guidance به دلیل

4- I didn't accept his for being absent. (explain)

جواب explanation بعد از his که صفت ملکی است احتیاج به اسم داریم.

5- I wanted her to show me the way to the post office, but she didn't me.(guide)

پاسخ guide چون بعد از didn't به فعل احتیاج داریم.

6- "Do you believe in the of God?"

"Yes , of course." (exist)

پاسخ existence به دلیلی که ذکر شد.

اسم قابل شمارش و غیرقابل شمارش

یک قطعه کوچک از شی مورد نظر را جدا کنید، اگر آن قطعه ی کوچک هنوز با اسم شی بزرگتر هم نام باشد آن اسم غیرقابل شمارش است ولی اگر نتوان با آن قطعه اسم شی بزرگتر را اتلاق نمود قابل شمارش است مثال: شما کلماتی مانند گچ ، خاک، شکر، توتون، صابون و غیره را در نظر بگیرید هر گاه کمی از آنها را جدا نمائید خواهید دید که باز آنها مقادیر کوچک به همان نام نامیده می شوند ولی برعکس چند اسم دیگر مثل پنجره، میز، صندلی، و غیره را در نظر بگیرید و آنها را قطعه قطعه نمائید خواهید دید که دیگر با آن قطعات کوچکتر نمی توان پنجره ، میز ، صندلی، اتلاق کرد.

نکته مهم درباره ی اسامی قابل شمارش

۱- می توان تعدادشان را با عدد مشخص کرد

۲- هم در حالت مفرد و هم در حالت جمع تعدادشان مشخص است.

a boy , two dogs , four women

نکته مهم درباره ی اسامی غیرقابل شمارش:

۱- همراه با a , an به کار نمی روند.

۲- معمولا جزء خانواده های مایعات، جامدات، گازها، مفاهیم انتزاعی، زبان ها، پدیده های طبیعی و هستند.

water , wild life, beauty , money , news
information , bread , coffee.

اسامی قابل شمارش:

۱- می توانیم تعدادشون رو با عدد یا حروف تعریف مشخص کنیم. به عبارت دیگر، می توانیم دانه به دانه بشمریم.

۲- هم در حالت مفرد و هم در حالت جمع تعدادشان مشخصه.

مثال: a boy , two flowers , four dogs

۲- اسامی غیر قابل شمارش:

۱- همراه با عدد یا a / an به کار نمی رن.

۲- معمولا جزء خانواده های مایعات، جامدات، گازها، مفاهیم انتزاعی، زبان ها، پدیده های طبیعی و ... هستند.

مثال: water , wildlife, beauty , money , news, information, bread, coffee

water, coffee , tea, milk, oil, soup, blood, juice	۱- مایعات	اسامی غیر قابل شمارش مهم
bread,cheese , meat, paper, chicken, spagar ...	۲- جامدات (نیمه جامدات)	
rice, grass, sugar, ...	۳- ذرات خرد و کوچک	
English, Russian, ...	۴- زبان ها	
history,science, medicine , ...	۵- رشته های تحصیلی یا موضوعات علمی	
driving,studying, ...	۶- فعالیت ها (اسم مصدر)	

food,fruit, junk, money, traffic, ...	۷- اسامی که از اجزای مشابه ساخته شده اند:
education, health, knowledge, music, advice, information, news, space (فضا), homework, grammar, vocabulary	۸- مفاهیم انتزاعی

بعضی از اسم های قابل شمارش شکل جمع خاص خودشون رو دارن و در اونا s - جمع وجود نداره. مثل:

مفرد جمع

man → men

foot → feet

child → children

mouse → mice

برخی اسامی قابل شمارش وجود دارن که شکل مفرد و جمعشون یکسانه. مثل :

مفرد جمع

fish → fish

means → means راه، وسیله

series → series

sheep → sheep

Test:

1) It's bad news that.....have only managed to find just seven.....

a) scientist-wolf

b) scientists –wolves

c) scientist-wolves

d) scientists-wolf

2) In contrast to the lack ofon land ,Chile's Pacific waters are filled with over 200.....of fish.

a) wildlives-kind

b) wildlives –kinds

c) wildlife-kind

d) wildlife-kinds

3) Despite having fivemy uncle, who isfarmer, thinks he is the happiest person in the world.

- a)children-the b)children-a c)child-the d)child-a

4) Do you have any.....for me to solve these difficult math.....?

- a) suggestion-problem b) suggestion-problems
c) suggestions-problem d) suggestions-problems

5).....shoes cost a lot. Do you really think it is necessary to spend money on such things?

- a)These nike b)These Nike c)This nike d) This Nike

6) When we make enough money , we will be able to live comfortably forrest of our

- a)a-lives b)the-lives c)a- life d) the- life

- 1)b 2)d 3)b 4)d 5)b 6)b

وابسته های پیشرو :

گروهی از کلمات انگلیسی هستند که قبل از اسم می آیند و آنها را توصیف می کنند. حروف تعریف (the-a-an) صفات ملکی (my, your,....) کلمات اشاره (this-that ,....) و برخی کلمات مانند some, other, another, any, از وابسته های پیشرو هستند.

کدام وابسته های پیشرو قبل از اسامی قابل شمارش و کدام قبل از اسامی غیر قابل شمارش و کدام قبل از هر دو گروه به کار می روند ؟

الف) بعضی از این وابسته ها فقط با اسامی قابل شمارش جمع به کار می روند. مثل : few
, a few ,fewer, many

I have many books.

I saw a few men there.

ب) برخی فقط با اسامی غیر قابل شمارش به کار می روند مانند : less ,much ,little ,
a little

I have less money than he does.

She had little bread for breakfast this morning.

ج) برخی هم با اسم قابل شمارش و هم با اسم غیر قابل شمارش استفاده می شوند. مثل : a
lot of ,lots of , some

There are a lot of cars in the street.

Can you give me some information?

Test:

1) Although it is a large city ,.....people live there.

a)few b)a little c)a few d)little

2)Please give memore coffee.

a)any b)few c)some d)very

3)A: Was the lecture a success? B:Yes,... ..people attended it than usual.

a) fewer b)less c)more d)many

4)Would you please tell us more about the matter? You have
information about it.

a) very b)many c)a few d)a lot of

5) As he has.....rice, he can give some.

- a) much b) a lot of c) any d) a

6) In my schoolus study English.

- a) a lot of b) one of c) much of d) -

7) Mary has notflowers and she is crying.

- a) a b) some c) any d) no

8) Could you lend me.....until tomorrow?

- a) a few dollars b) few dollars c) a small money d) little money

9) Please can you give memore of that lovely chocolate cake you cooked yesterday ?

- a) several b) a little c) little d) many

10) The street is full of cars , trucks ,and buses. In other words , it is full of.....

- a) much traffic b) traffic c) the traffic d) a traffic

1) a 2) c 3) c 4) d 5) b 6) a 7) c 8) a 9) b 10) b

صفت

صفت کلمه ای است که برای توصیف اسم به کار می رود. اما به جز تعریف صفت، نکات مهم دیگری هم وجود دارد این که جای صفت کجاست، صفت ها چه انواعی دارند و ترتیبشان چیست، و این که صفت های «برتر» و «برترین» چه طور ساخته می شوند.

جای صفت کجاست؟

۱- قبل از اسم:

- 1- They have a **beautiful house**.
- 2- I saw a **good program** on TV last night.
- 3- My sister has two **young children**.
- 4- This is the **new printer** that I was talking about.
- 5- They're building a **big factory** next to our home.

۱- آن ها خانه ی زیبایی دارند.

۲- من دیشب یک برنامه ی خوب در تلویزیون دیدم.

۳- خواهرم دو فرزند کوچک دارد.

۴- این همان چاپگر جدیدی است که در موردش حرف می زدم.

۵- آن ها دارند کنار خانه ی ما یک کارخانه ی بزرگ می سازند.

۳- بعد از فعل اسنادی (ربطی):

۴-

- 1- I didn't know your mother **was French**.
- 2- That film **looks interesting**.
- 3- Are you OK? You **seem tired!**
- 4- This chicken doesn't **smell** very **good**. How old is it?
- 5- Poland can **be** very **cold** in the winter.
- 6- Can we stop to eat? I **feel hungry**.
- 7- I'd like to see that new Michael Moore film. It **sounds interesting**.

۱- نمی دانستم مادرت فرانسوی است.

۲- آن فیلم جالب به نظر می رسد.

۳- خوبی؟ خسته به نظر می رسی!

۴- این مرغ بوی خیلی خوبی ندارد. چه مدت مانده است؟

۵- لهستان می تواند در زمستان خیلی سرد باشد.

۶- می شود توقف کنیم و چیزی بخوریم؟ من گرسنه ام.

۷- دوست دارم آن فیلم جدید مایکل مور را ببینم. جالب به نظر می رسد.

مهم ترین فعل اسنادی در زبان انگلیسی، فعل to be است.

به جز to be ، فعل های اسنادی دیگری هم وجود دارد. فعل های become (شدن) و seem (به نظر رسیدن) دو فعل مهم اسنادی هستند. فعل های زیر هم می توانند فعل اسنادی باشند. اما چون هر کدامشان بیش از یک معنی دارند، فقط در معنی «شدن» «بودن» یا «به نظر آمدن» اسنادی محسوب می شوند. مثال های مربوط به افعال اسنادی را یک بار دیگر بخوانید، تا متوجه شوید منظورم چیست.

appear, feel , get, grow, look, smell, sound , taste, turn

انواع صفت ها و ترتیب آن ها

صفت ها ، بسته به این که کدام یک از خصوصیات اسم را توصیف می کنند، می توانند به بیش از ۱۰ دسته ی مختلف تقسیم شوند. اما هشت تا از رایج ترین انواع صفت ها به ترتیب عبارت اند از:

اسم	هدف یا کاربرد	جنس	مبدا یا ملیت	رنگ	شکل و عرض	سن و قدمت	اندازه و طول	عقیده یا کیفیت
Car	sports		Italian			old		Beautiful
hair				black			short	
Box	hat	wooden	Eastern		round		small	

نمونه سوالات کنکور

1- We could buy a blouse from that store. (سراسری تجربی ۹۰)

- a) nice blue cotton Korean b) nice blue Korean cotton
c) blue nice Korean cotton d) Korean blue cotton nice

2- Mary always likes to drive alone car. (سراسری تجربی ۸۹)

- a) little old red b) little red old
c) red little old d) old little red

3- I saw a / an painting in the art gallery. (سراسری انسانی ۸۹)

- a) old interesting Japanese b) old Japanese interesting
c) interesting old Japanese d) Japanese old interesting

4- She was wearing a shirt. (سراسری زبان ۸۶)

- a) White and black silk beautiful b) silk beautiful black and white
c) black and white beautiful silk d) beautiful black and white silk

5- My brother has a table lamp in his room. (انسانی ۹۰)

- a) beautiful white round b) beautiful round white
c) round beautiful white d) white beautiful round

صفت برتر (تفضیلی)

«تر» علامت صفت برتر در زبان فارسی است. برای ساخت صفت برتر در زبان انگلیسی به

ترتیب زیر عمل می کنیم:

۱- صفت های کوتاه:

اگر صفت یک بخشی باشد، به انتهای آن پسوند er - اضافه می کنیم. آن دسته از صفت های دوبخشی هم که به y - ختم شده باشند، در این گروه قرار می گیرند.

cheap → cheaper / nice → nicer / busy → busier

۲- صفت های بلند:

اگر صفت دوبخشی باشد یا بیشتر از دو بخش داشته باشد، قبل از آن از قید more استفاده می کنیم. صفت های مفعولی یک بخشی هم که با اضافه شدن ed - به وجود آمده باشند، در این گروه جا می گیرند.

beautiful → more beautiful / careful → more careful
pleased → more pleased

۳- صفت های بی طرف :

برای صفت های زیر می توان هم از er - هم از more استفاده کرد.

Clever, common, cruel, gentle, narrow, pleasant, polite, quiet, simple, stupid

Cleverer or more clever/ simpler or more simple

جمله های زیر را بخوانید و هر جا که than را دیدید، مکث کنید. وقتی طرف دوم مقایسه را هم درجمله می آوریم، قاعدتاً به حرف اضافه ی «از» احتیاج پیدا می کنیم. در انگلیسی، این حرف اضافه ی مقایسه ای، than است. مبادا به اشتباه به جای than بگویید from حرف اضافه ی from را نباید در جمله های مقایسه ای به کار ببریم.

1- We need a bigger car.

2- This restaurant is nicer than the Pizza House.

- 3- Let's go by metro. It's cheaper.
- 4- German cars are more expensive than Korean ones.
- 5- The exam was more difficult than we thought.
- 6- It's too noisy here. Can we go somewhere quieter/more quiet?

۱- به یک ماشین بزرگ تر نیاز داریم.

۲- این رستوران بهتر از پیتزا هاوس است.

۳- بیا با مترو برویم. ارزان تر است.

۴- خودروهای آلمانی گران تر از خودروهای کره ای است.

۵- امتحان سخت تر از آن بود که فکر می کردیم.

۶- اینجا خیلی سروصدا است. می شود به یک جای آرام تر برویم؟

وقتی بعد از than از یک جمله استفاده می کنیم، ضمیرمان باید فاعلی باشد و اگر خبری از فعل و جمله نیست، ضمیر مفعولی بهتر است.

You're twenty years older than I am. = you're twenty years older than me.

His wife is taller than he is = His wife is taller than him.

صفت برترین (عالی)

علامت صفت برترین در زبان فارسی، ترین است که معادل انگلیسی آن -est یا most است. یادتان هست چند خط بالاتر، صفت ها را به سه دسته ی کوتاه و بلند و بی طرف تقسیم کردیم؟ حالا هم طبق همان تقسیم بندی عمل می کنیم:

۱- برای صفت های کوتاه از پسوند -est استفاده می کنیم:

cheap → cheapest / nice → nicest / busy → busiest

۲- قبل از صفت های بلند، most می آوریم:

beautiful → most beautiful /careful → most careful pleased → most pleased

۳- برای صفت های بی طرف یا est- یا most می آوریم:

Cleverest or mot clever/ simplest or most simple

جملات زیر را به دقت بخوانید و ببینید که چه طور صفت برترین، برتری کسی یا چیزی را در یک گروه نشان می دهد.

در ضمن، دقت کنید که قبل از تمام صفت های برترین از حرف تعریف the استفاده شده است، این یک قانون است:

- 1- Yesterday was the hottest day of the year.
- 2- She is one of the nicest people that I know.
- 3- This hotel is the most expensive in town.
- 4- What was the happiest day of your life?
- 5- The film was the most boring film that I have ever seen.

۱- دیروز گرم ترین روز سال بود.

۲- او یکی از خوب ترین آدم هایی است که من سراغ دارم.

۳- این هتل گران ترین [هتل] شهر است.

۴- شادترین روز زندگی ات کی بود؟

۵- این فیلم، کسالت بار ترین فیلمی بود که تا به حال دیده ام.

خلاصه :

مقایسه صفات

۱- مقایسه از لحاظ برتری

a - کلیه صفات و قیود یک بخشی یا یک سیلابی و نیز قسمتی از صفات دو بخشی که به حروف y - le - ow - er ختم شده اند با افزودن پسوند er به آخر آنها بصورت تفصیلی و با پسوند est بشکل صفت عالی در می آیند. مثال:

صفت ساده	تفصیلی	عالی
tall بلند	taller	tallest
big بزرگ	bigger	biggest
happy خوشحال	happier	happiest
shallow کم عمق	shallower	shallowest

b - کلیه صفات چندبخشی و نیز بقیه صفات دو سیلابی با کلمه more که قبل از صفات و قیود ذکر می کنند بصورت تفصیلی و با the most بشکل صفات و قیود عالی در می آیند.

صفت ساده	تفصیلی	عالی
beautiful زیبا	more beautiful	the most beautiful
useful مفید	more useful	the most useful

۱- مقایسه صفات از لحاظ برابری و نابرابری

صفات و قیود را وقتی از لحاظ برابری با هم مقایسه نمایند آن را بین as + صفت یا قید ساده + as قرار می دهند.

البته فعل جمله مثبت است و در حالت نابرابری با فعل منفی از as + صفت یا قید ساده + so استفاده می کنند.

البته در مکالمات و در تست ها در حالت نابرابری ممکن است از as as هم استفاده شود.

She is as tall as her brother. او هم قد برادرش است.

He walks as slowly as an old man does. او مثل یک پیرمرد آهسته راه می رود.

This pencil is not so long as that one. این مداد به بلندی آن یکی نیست

۲- مقایسه صفات از لحاظ پستی

در این حالت برای کلیه صفات چه یک بخشی و چه چندبخشی در حالت بین دو چیز و دو شخص از less که متضاد more است استفاده می کنند و در حالت بین چند چیز و چند بخشی از the least که متضاد the most می باشد استفاده می نمایند.

This pen is less good than that one. این قلم بخوبی آن یکی نیست.

A wolf is the least useful animals. گرگ مضرتترین حیوانات است (کم نفع ترین)

صفات کمی نامعین

(حالت منفی دارد) (با اسمهای قابل شمارش و جمع)

few (کم از لحاظ تعداد)

(حالت مثبت دارد) (با اسمهای قابل شمارش و جمع)

(چند تا) a few

(حالت منفی دارد) (با اسمهای قابل شمارش و جمع)

(تعداد کم موجود) the few

(حالت منفی دارد) (با اسمهای غیرقابل شمارش)

(کم از لحاظ مقدار) little

(حالت مثبت دارد) (با اسمهای غیرقابل شمارش)

(کمی - مقداری) a little

(حالت منفی دارد) (با اسمهای غیرقابل شمارش)

(مقدار کم موجود) the little

طرز تشخیص صفات فوق در یک تست

از خواص این صفات در تشخیص آنها استفاده می کنیم.

۱- در جواب به جمله ها: جواب اگر منفی باشد از منفی این صفات یعنی از few و

little استفاده می کنند و اگر جواب مثبت باشد از a few , a little

مثال:

Do you have any money with you? Yes, I have a little .

No, I have little money.

Do you have any pencils? Yes , I have a few pencils.

No , I have few pencils.

۳- می دانیم وقتی دو جمله را با and بهم متصل کنیم هر دو باید همجنس باشند مثلا هر دو مثبت یا هر دو منفی ولی اگر با but بهم متصل شوند باید مخالف هم باشند یعنی یکی مثبت و یکی منفی و از همین خاصیت این صفات را تشخیص می دهیم.مثال:

+	+
_____	_____
1- He has many books	and (few) (a few) pens.
+	+
_____	_____
2- He has many books	but (few) (a few) pens.

بطوریکه ملاحظه می کنید در جمله یک قسمت اول جمله مثبت است و چون با and بهم متصل شده اند قسمت دوم نیز باید مثبت باشد ولی چون دو قسمت جمله دوم با but و a little , little نیز بهمین ترتیب تشخیص داده می شوند و فقط بعد از آنها اسم مفرد غیرقابل شمارش قرار می گیرد.

هرگاه در یک جمله قبل از این صفات کلمه only بکار رفته باشد از حالت مثبت آنها استفاده می شود.

There is only a little bread in the kitchen.

فقط کمی نان در آشپزخانه وجود دارد.

There are only a few books on the desk.

فقط چند تا کتاب روی میز است.

SOME – ANY

Some در جملات مثبت و نیز جملات تعارف و تقاضا که حالت سوالی دارند بکار برده می شود. هم با اسمهای قابل شمارش و هم غیرقابل شمارش.

There are some books on the desk.

در روی میز تعدادی کتاب وجود دارد.

There is some water in the glass.

در داخل لیوان مقداری آب است.

Would you like some more tea?

بازهم چای میل دارید؟

any در جملات منفی و سوالی با هر دو نوع اسم قابل شمارش و غیرقابل شمارش بکار برده می شود. در واقع منفی some است.

There are not any books on the desk.

در لیوان هیچ آب وجود ندارد.

There is not any water in the glass.

در روی میز هیچ کتابی وجود ندارد.

Are there any books on the table?

آیا در روی میز کتابی هست؟

توجه : any با اسمهای مفرد قابل شمارش در جملات مثبت بکار می رود و معنی هر می دهد. مثال:

هر روز یکه دوست دارید می توانید بیائید.

You can come any day you like.

توجه : ۲- در جملاتی که یکی از قیود منفی

scarcely – rarely – hardly – seldom – never بکار رفته باشد از any استفاده می کنند. مثال

There is hardly any water in the glass.

در لیوان آبی وجود ندارد.

صفت فاعلی ، مفعولی:

شکل ing فعل می تواند به عنوان صفت به کار رود. (boring خسته کننده) این صفت حس و حالتی را در شخص ایجاد می کند (فیلم خسته کننده) که مخاطب را خسته کرده.

The story was interesting.

صفت فاعلی

صفات فاعلی (شکل ing – فعل) بیشتر برای اشاره به اسامی بیجان به کار می روند. در مقابل قسمت سوم فعل (pp) صفت مفعولی می سازد.

Betty was bored with the film.

بتی از فیلم خسته شد.

صفت مفعولی

مارک هیجان زده است.

Mark is excited.

صفت مفعولی

توجه: صفت مفعولی (شکل pp فعل) غالباً صفت انسان است و احساس انسان را نسبت به مسائل بیان می کند.

جدول زیر را به خوبی به خاطر بسپارید:

فعل	صفت فاعلی	صفت مفعولی
Bore کسل کردن	boring کسل کننده	bored کسل (شده)
interest علاقه مند کردن	interesting جالب (علاقه مند کننده)	interested علاقه مند

excite به هیجان آوردن	exciting مهیج - هیجان انگیز	excited هیجان زده
confuse گیج کردن	confusing گیج کننده	confused گیج (شده)
amuse سرگرم کردن	amusing سرگرم کننده	amused سرگرم (شده)
surprise متعجب کردن	surprising تعجب برانگیز	surprised متعجب
shock شوکه کردن	shocking شوکه کننده - هولناک	shocked شوکه (شده)
frighten ترساندن	frightening ترسناک	frightened ترسیده

شکل صحیح کلمات داخل پرانتز را بنویسید.

- 1- I couldn't solve the problem. It was (confuse)
- 2- He was When he heard that his father was in hospital .
(shock)
- 3- She was she didn't know how to solve the problem.
(confuse)
- 4- Nobody can go near the dog. It is (frighten)
- 5- His way of telling jokes is very to us. (amuse)

نمونه سوالات کنکور:

- 1- The story was and the children were disappointed.

a) being bored b) boring c) been boring d) bored

(آزاد انسانی ۸۷)

2- Some computers have very instructions. (زبان سراسری ۸۹)

a) confuse b) confused c) confusing d) confusingly

3- The children's games were at first, but finally got on the parents nerve. (آزاد تجربی ۸۸)

a) amused b) amusing c) shocked d) shocking

4- The jokes were to most of the children, so they got.....

a) amusing – amusing b) amusing – amused (سراسری هنر ۸۸)

c) amused – amusing d) amused – amused

5- I turned off the TV because I didn't find the film

a) amusingly b) amusing (سراسری انسانی ۸۶)

c) amused d) amuses

6- Why are you always worried? Is your life really ? (تجربی ۸۵)

a) bored b) bore c) to bore d) boring

7- Tom is almost everyone enjoys talking to him.

a) interesting b) interests c) an interest d) interested (سراسری ریاضی ۸۵)

8- Ronald works very hard. It's not that he is always tired.

a) surprisingly b) surprising c) surprised d) surprise (سراسری هنر ۸۵)

1)b 2)c 3) b 4) b 5)b 6) d 7)a 8)c

قید (Adverb)

قید کلمه ای که برای توصیف و چگونگی فعل در جمله ای به کار می رود. به عبارت دیگر هر زمان که بخواهیم چگونگی انجام عملی را نشان دهیم از قید حالت استفاده می کنیم. به همین دلیل لغت Adverb در زبان انگلیسی یعنی (اضافه شده به فعل) می باشد.

قید روش یا حالت Adverb of Manner

قید روش، حالت قیدی است که چگونگی انجام فعلی را در جمله توصیف کند. و مهمترین قید در زبان انگلیسی محسوب می گردد. قید حالت به ما می گوید که چطور چیزی رخ می دهد یا چه طور کاری انجام می شود.

They walk quickly in the garden every day.

آنها هر روز به سرعت در باغ قدم می زنند.

ساختن قید حالت: به آخر صفت مطلق (ly) اضافه می کنیم.

slow	→ آهسته	slowly	به آهستگی
quick	→ سریع	quickly	به سرعت
careful	→ دقیق	carefully	با دقت
beautiful	→ زیبا	beautifully	به طرز زیبا
serious	→ جدی	seriously	به طور جدی
Bad	→ بد	badly	به طور جدی (بدجوری)

محل قید حالت در جمله:

چنانچه بخواهیم قید روش (حالت) را در جمله به کار ببریم باید ابتدا نوع فعل را بشناسیم. اگر فعل لازم باشد (یعنی احتیاج به مفعول نداشته باشد) قید حالت بلافاصله بعد از آن قرار می گیرد.

The sun rises slowly in the east every morning.

قید حالت فعل لازم

تغییرات املائی هنگام اضافه کردن **ly**

اگر صفت به **y** ختم شده باشد هنگام تبدیل به قید **y** به **i** تغییر پیدا می کند.

easy → easily

اگر صفت به **le** - ختم شده باشد هنگام تبدیل به قید **le** حذف می شود و جای خود را به **ly** می دهد.

probable → probably

اگر صفت به **ic** - ختم شده باشد هنگام تبدیل به قید به جای **ly** از **ally** استفاده می کنیم.

Scientific → scientifically

قید های حالت بی قاعده:

بعضی از صفت ها برای تبدیل به قید حالت از قاعده **ly** - پیروی نمی کنند در جدول با تمرین قیده های حالت بی قاعده آشنا می شویم.

جدول قیده های حالت بی قاعده

صفت	قید حالت	یک قید متفاوت در معنی جدید
deep عمیق	deep عمیق	deeply به شدت

early	زود، اولیه	early	زود، پیش از موقع	
fast	تند، سریع	fast	به سرعت	
good	خوب	well	به خوبی	
hard	سخت، سفت	hard	سخت، سفت	hardly
				به زحمت، به ندرت
high	بلند، به ارتفاع	high	بلند، بالا، در ارتفاع	highly
				بسیار، خیلی
late	دیر، دیروقت	late	دیر، تا دیروقت	lately
				اخیراً
long	بلند، طولانی، به طول	long	خیلی وقت، مدت زیادی	
low	کوتاه، کم عمق، کم، آهسته	low	پایین، در ارتفاع کم	
near	نزدیک، صمیمی	near	نزدیک، در نزدیکی	nearly
				تقریباً

صفت هایی که ly دارند

به قیافه ی این سه صفت دقت کنید و ببینید که چقدر به قید حالت شباهت دارند:

Lonely, silly , ugly

از آن جایی که این صفت ها در انتهای خود ly دارند، نمی توانند با اضافه کردن ly – به

قید تبدیل بشوند. به همین خاطر برای تبدیل آن ها به قید، از عبارت هایی نظیر

in a / an ... way یا in a/ an ... manner استفاده می کنیم.

1- She smiled in a friendly way.

2- He spoke in ugly manner.

۱- او به طرز دوستانه ای خندید.

۲- او به طرز زشتی حرف می زد.

کلمات استفهام:

کلمات استفهام را در انگلیسی (Question words) نیز می نامند، محل این کلمات در جملات استفهامی در ابتدای جمله می باشد و مهمترین آنها عبارتند از:

Who	چه کسی (فاعل)	Where	کجا
Whom	چه کسی را، به چه کسی	How	چگونه
Which	کدام، کدام را به	How much	چقدر
Which one	کدامیک، کدامیک را	How many	چند تا
Whose	مال چه کسی	How long	چه مدت
What	چه چیزی، چه چیزی را	How often	چند وقت به چند وقت
When	کی، چه موقع	How far	تا کجا، چه فاصله
What time	چه ساعتی	Why	چرا

نکته: بعد از اینکه کلمات استفهام بایستی بعد فاصله فعل کمکی زمان مربوط به جمله (does, do) در حال ساده did در گذشته ساده - will در آینده ساده و غیره قرار بگیرد.

باستثنای who که جانشین فاعل است و فقط جای فاعل می نشیند و تغییر دیگری در جمله داده نمی شود کلمات which , what در زمانی که اشاره به فاعل جمله می کنند احتیاجی به فعل کمکی زمان ندارند.

مثال :

He bought a gift for his daughter.

او برای دخترش یک هدیه خرید.

What did he buy for his daughter?

او چه چیزی برای دخترش خرید؟

Ali came here last night.

علی دیشب به اینجا آمد.

Who came here last night?

چه کسی دیشب اینجا آمد؟

:Who

این کلمه اشاره به فاعل جمله می کند و جانشین فاعل می گردد و فعلش همیشه تابع سوم شخص مفرد است.

He told me to come here.

او به من گفت که اینجا بیایم.

Who told you to come here?

چه کسی به شما گفت که اینجا بیائید؟

:Whom

این کلمه ضمیر استفهامی است که جانشین مفعول جمله بوده و معنای آن معادل (چه کسی را ، به چه کسی) در زبان فارسی است.

I saw Ali last night.

من دیشب علی را دیدم.

Whom did you see last night?

دیشب چه کسی را دیدید؟

: Which

در حالت فاعلی و مفعولی به کار می روند که در آغاز این بحث برای هر دو حالت مثال آورده شد.

: What

در آغاز این درس کاربرد آن بررسی گردید.

: Whose

این کلمه استفهامی نشان دهنده مالکیت است یعنی زمانی به کار می رود که مالیکت شی یا شخصی نسبت به انسان مجهول و نامعلوم باشد.

مثال:

Whose book is this

این کتاب مال چه کسی است؟

Whose is this?

این مال چه کسی است؟

: When

زمانی به کار می رود که قید زمان در جمله مجهول باشد.

He left Tehran last week.

او هفته قبل تهران را ترک کرد

When did he leave Tehran?

چه موقع او تهران را ترک کرد؟

: How long

زمانی به کار می رود که طول زمان یا مدت زمان برای فردی نامعلوم و مجهول باشد.

It takes me half an hour to get here.

نیم ساعت طول می کشد که من به آنجا برسم.

How long does it take you to get here?

چه مدت طول می کشد که شما به اینجا برسید؟

: Where

زمانی به کار می رود که قید مکان در جمله نامفهوم باشد.

He went to the cinema twice a week .

او به منزل برادرش رفت.

How often does he go the cinema?

او چند وقت به چند وقت به سینما می رود؟

: How

زمانی در جمله به کار می رود که چگونگی انجام کاری نامعلوم باشد.

He speak English well.

مثال:

How does he speak English?

: How much

این کلمه زمانی در جمله به کار می رود که مقدار و میزان چیزی نامعلوم باشد.

مثال:

I paid fourteen Tomans for it.

من چهل تومان برای آن پرداختم.

How much did you pay for the book?

چقدر پول برای کتاب پرداختید؟

: How far

زمانی به کار می رود که فاصله بین دو محل برای سوال کننده نامعلوم باشد.

مثال:

It is about 700 miles.

حدود ۷۰۰ مایل است.

How far is it?

: Why

زمانی در جمله به کار می رود که علت و سبب انجام کاری برای پرسش کننده معلوم نباشد.

He went to England to see his brother.

او به انگلستان رفت برای این که برادرش را ببیند.

Why did he go England?

چرا به انگلستان رفت؟

جملات زیر را بخوانید و با کلمه داخل پرانتز سوالی کنید.

- 1- She is wearing a new scarf. (What)
- 2- They saw the leader yesterday. (Whom)
- 3- The meeting lasted two hours. (How long)
- 4- He went to the park after the lesson. (Where)
- 5- We came here by train. (How)

6- Mr. Amini teaches English?(Who)

افعال جدا شدنی و جدانشدنی:

برخی از فعل های جدا شدنی عبارتند از:

call on	دعوت کردن	keep on	ادامه دادن
call out	فرا خواندن	take off	درآوردن
call up	تلفن کردن	take out	بیرون آوردن
put on	پوشیدن	throw away	دور انداختن
put off	به تاخیر انداختن	try on	پرو کردن، سنجیدن
pick up	برداشتن	turn on	روشن کردن (لوازم برقی)
give up	تسلیم شدن، رها کردن	turn off	خاموش کردن (لوازم برقی)
wake up	بیدار کردن (شدن)	turn down	کم کردن (صدا...)

افعال جدا نشدنی : حروف اضافه هرگز از فعل خود جدا نمی شوند. یعنی مفعول آنها را چه اسم باشد یا ضمیر قبل از حرف اضافه به کار نمی برند و به همین دلیل این فعل ها را جدا نشدنی (Inseparable) می نامند. زیرا فعل و حرف اضافه توسط مفعول از هم جدا نمی شوند.

Verb + preposition (حرف اضافه + فعل)

She Looked for the keys. (درست)

She looked them for. (نادرست)

She looked for them. (درست)

توجه : کلمه هایی مانند forward, apart, away, down, up, back, out, off. معمولا قید هستند و کلمه هایی مانند without, with, from, after, for, at حرف اضافه اند کلمه هایی مانند over, about, by, into, on, in می توانند هم قید باشند و هم حرف اضافه.

He put the book on the desk

حرف
اضافه

کتاب را روی میز گذاشت

He had put on a nice blue coat,

قید

یک کت آبی قشنگ پوشیده بود.

برخی از افعال دو قسمتی جدا نشدنی عبارتند از:

agree about	موافقت کردن با یک موضوع	talk about	صحبت کردن درباره
agree with	موافقت کردن با یک شخص	wait for	منتظر شدن برای
listen to	گوش دادن به	be afraid of	ترسیدن از
look after	مراقبت و پرستاری کردن از	be angry with	عصبانی بودن از دست کسی
look at	نگاه کردن به	be angry about	عصبانی بودن از چیزی
look for	جستجو کردن	be aware of	با خبر بودن از
look like	شبيه بودن به	think for	فکر کردن درباره
speak to/with	صحبت کردن با	tank for	تشکر کردن به خاطر
talk to / with	صحبت کردن با	insist on	پافشاری کردن روی
be used to	عادت داشتن به	be different from	متفاوت بودن از

1) We walked very carefully along the snow – covered street. Were afraid..... falling.

- a. from b. of c. on d. for

2) "Did you call up their son"? " No, I didn't call....."

- a. him up b. up them c. them up d. up him

3) Our houses is similar Your house. Perhaps yours is a little larger.

- a. to b. with c. after d. about

4) " Did he give back your money"? " No, he didn't give....."

- a. it back b. back it c. them back d. back them

5) I have lost my keys . I'm looking..... them.

- a. for b. at c. after d. about.

6) In big cities, the police have tooxygen masks because of extreme air.

- a. take off b. turn up c. put on d. give back

7) Moslemstheir shoes whenever they want to enter a mosque.

- a. keep on b. put on c. take off d. turn off

8) You can.....how to answer the question correctly if you try hard.

- a. call up b. find out c. take off d. turn off

9-Do you know the meaning of these words?

No, I don't know , but I 'll try to.....

- a. set up b. pick up c. look at d. find out

10-What do most people say when theythe receiver?

- a. keep on b. turn on c. pick up d. set up

- 1)b 2)a 3)a 4)a 5)a 6)c 7)c 8)b 9)d 10)c



گرامر پایه لیف کونکوری